

Changes of Poshtkouh Boundary in the Qajar Era

Alireza Asadi*, Kaivan Shafei**

Seyed Mohammad Sheikh Ahmadi***

Abstract

The Poshtkouh region was considered a strategic area in the western boundaries of Iran, and the Feyli governors who had ruled Pishkouh and Poshtkouh in Lorestan as local governors since the Safavid Dynasty were selected by the central government to rule the region. The present study aimed to investigate the following question: what were the changes occurring on the western boundaries of Iran in Poshtkouh during the Qajar era?

The study employed a descriptive-analytical methodology by relying on historical documents and maps and library resources, and the findings showed that the Poshtkouh region in the western boundaries of Iran witnessed relative changes in the Qajar Era due to the presence of strategic areas like the Seifi and Malkhatavi lands, border rivers like Konjancham, Gavi, and Changouleh, the Baghsaei region, and the salt mines of Poshtkouh. In this period, the Poshtkouh region did not suffer changes due to the military strength of its governors and the effective presence of

* PhD Candidate in Post-Islamic Iranian History, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran, alireza.asadi1359@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (Corresponding Author), k.shafei@iausdj.ac.ir.

*** Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran, m.sheikhahmadi@gmail.com.

Date received: 2022/08/23, Date of acceptance: 2022/12/15



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the Tribes and clans of the region, and its geographical domain included parts of the Jassan, Badra, Zurbatiyah, and Tursaq in the Ottoman land.

Keywords: Poshtkouh, Western boundaries, Feyli governors, Qajar



تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار

علیرضا اسدی*

کیوان شافعی**، سید محمد شیخ احمدی***

چکیده

منطقه پشتکوه از مناطق استراتژیکی ایران در مرزهای غربی محسوب می‌شد و والیان فیلی یکی از حکومت‌های محلی ایران که از دوره صفویه به بعد در لرستان پیشکوه و پشتکوه حکمرانی داشتند، در عصر قاجار از سوی حکومت مرکزی بر آن حکمرانی می‌نمودند. این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش است که: تحولات مرزهای غربی ایران در سرحد پشتکوه و در عصر قاجار به چه صورت بوده است؟

یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد و نقشه‌های تاریخی و منابع کتابخانه‌ای انجام شد، نشان‌دهنده این امر بود که در عصر قاجار سرحد پشتکوه واقع در مرزهای غربی ایران، به واسطه وجود مناطق استراتژیکی از قبیل اراضی صیفی و ملخطاوی، رودهای مرزی گنجانچم، گاوی و چنگوله، منطقه باغسائی و معادن نمک پشتکوه شاهد تغییر و تحولات نسبی بوده است. در این دوره منطقه پشتکوه به واسطه قدرت نظامی والیان آن و حضور مؤثر ایلات و طوایف این منطقه، نه تنها بدون تغییر باقی

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، alireza.asadi1359@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)، k.shafei@iausdj.ac.ir

*** استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، m.sheikhahmadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴



ماند، بلکه قلمرو جغرافیایی ایران بخشی از محال جَسان، بدره، ژرباطیه و تُرساق در خاک عثمانی را در بر می‌گرفت.

کلیدواژه‌ها: پشتکوه، مرزهای غربی، والیان فیلی، قاجار، عثمانی

۱. مقدمه

مرز یا سرحد و نواحی مرزی آن همواره برای حکومت‌ها با اهمیت بوده است و ثبات آن ارتباطی مستقیم با عمر آن‌ها داشته است. منطقه پشتکوه به علت نزدیکی به عتبات عالیات، وجود زمین‌های حاصلخیز، معادن نمک و رودهای پُرآب مرزی در مجاورت مرزهای عثمانی، برای سیاست‌مداران قاجار حائز اهمیت بود. والیان پشتکوه همواره روابط دوستانه‌ای با حکومت مرکزی در عصر قاجار داشتند. آن‌ها علاوه بر اخذ مالیات حوزه پشتکوه که در تقویت و بازسازی تجهیزات نظامی سپاه ایران استفاده می‌شد، با بهره‌گیری از نیروهای عشایری قلمرو خود، حفاظت از مرزهای سرحد پشتکوه را بر عهده داشتند.

در رابطه با پیشینه تحقیق حاضر، یعنی «تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار» تحقیق جامع و مستقلی صورت نگرفته است؛ البته در ارتباط با این پژوهش، اسناد و مطالبی در لابه‌لای متون منابع تاریخی و جغرافیایی دست اول و ثانویه وجود دارد و مطالعاتی نیز درباره‌ی خاندان والیان فیلی و منطقه پشتکوه صورت گرفته است. در برخی از تحقیقات همانند «بررسی اسنادی کشمکش‌های والیان پشتکوه (ایلام) با حکومت عثمانی، بر سر معادن نمک (۱۲۵۵-۱۳۴۷ق. ۱۸۳۸-۱۹۲۸)» (نورائی و مهمان‌نواز، ۱۳۹۱) و «اختلاف ایران و عثمانی بر سر شهر باغسائی» (بصیرت‌منش و مرادی‌مقدم، ۱۳۹۸) یک منطقه خاص از سرحد پشتکوه بررسی شده است و در برخی از پژوهش‌ها همچون «تحلیلی بر مناقشات مرزی ایران با عثمانی و عراق در نوار مرزی ایلام» (اکبری و یاری، ۱۳۹۴) و «نقش والیان ایلام در حفظ امنیت و دفاع از مرزهای ایران زمین» (مرادی‌مقدم، ۱۳۸۷) بیشتر جنبه سیاسی و نظامی رویدادها مدنظر بوده است و تغییر و تحولات مرزی سرحد پشتکوه مورد توجه قرار نگرفته است.

با توجه به بررسی پیشینه تحقیق، موضوع پژوهش حال حاضر یکی از حلقه‌های مفقوده پژوهشی در ارتباط با تحولات مرزهای غربی ایران محسوب می‌شود. بنابراین مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که مرزهای ایران در سرحد پشتکوه و در عصر قاجار

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۵

دچار چه تغییر و تحولاتی شد؟ و این تغییر و تحولات تابع چه عواملی بوده است؟ در عصر قاجار تلاش عثمانی‌ها برای تسلط بر برخی مناطق استراتژیک در مرزهای غربی ایران بود. به همین دلیل سرحد پشتکوه و مناطق استراتژیک آن از قبیل اراضی صیفی و ملخطاوی، رودهای مرزی گنجانچم، گاوی و چنگوله، منطقه باغسائی و معادن نمک پشتکوه از جمله مناطق مدنظر عثمانی‌ها به‌شمار می‌رفتند. اما قدرت نظامی والیان فیلی و حضور مؤثر و گسترده ایلات و عشایر سرحدی پشتکوه مانع از تحقق اهداف عثمانی‌ها شد و این منطقه سرحدی بدون تغییر باقی ماند.

۲. جغرافیای تاریخی پشتکوه

پشتکوه مشتمل بر بخش وسیعی از استان ایلام امروزی، مسکن اقوام آزیاتیک [آسیانی] (زرین کوب، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۲) و یکی از مهم‌ترین بخش‌های تمدن ایلام باستان، با عنوان «ورهشی» یا «مرهشه» بوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۹۹؛ هیتس، ۱۳۸۸: ۶۱).

هم‌زمان با تمدن ایلام باستان، اقوام گوتی، لولویی و کاسی نیز در نواحی غرب نجد ایران ساکن بودند و حکومت‌هایی را تشکیل دادند، استان ایلام امروزی نیز به تناوب در قلمرو حکومتی این دولت‌ها قرار می‌گرفت و یا به عنوان ایالتی مستقل عمل می‌نمود (هیتس، ۱۳۸۸: ۸۸) و پس از آن تحت سیطره آشوری‌ها، مادها و سپس هخامنشیان قرار گرفت (دیاکونوف، ۱۳۵۴: ۳۱۷؛ نوربخش، ۱۳۶۴: ۶۸؛ زرین کوب، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۲). استرابون در نوشته‌های خود از این منطقه تحت عنوان «ماساباتیس» یاد کرده است (دیاکونوف، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

در زمان اشکانیان و ساسانیان، استان ایلام کنونی شامل دو ایالت ماسبدان (شمال ایلام) و مهرجانقذق (جنوب ایلام) بخشی از ایالت بزرگ پهل به‌شمار می‌آمده است (ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۲۳؛ نفیسی، ۱۳۳۱: ۲۸۶-۲۸۷) که بعدها اعراب آن را جبال نامیدند. بعد از اسلام و در دوره خلفای راشدین و سپس خلفای اموی و عباسی، ولایات ماسبدان و مهرجانقذق گاه توسط حاکمان منصوب شده خلفا و گاه توسط حکام کوفه و بصره اداره می‌شدند (اسدی، ۱۳۹۹: ۳۰-۳۲ و ۳۷-۳۹).

پشتکوه (ماسبدان و مهرجانقذق) که به عنوان بخشی از ایالت بزرگ پهل به‌شمار می‌آمده است (جبال) محسوب می‌شد، به‌واسطه داشتن شرایط اقلیمی متنوع و موقعیت استراتژیکی، همواره مورد

توجه امرا و خاندان‌های حکومتگر بوده است. هم‌زمان با فرمانروایی آل‌بویه در ایران، خاندان حسنویه برزیکانی (۳۳۰-۴۰۶ ه.ق) بر این منطقه حکم راندند (ابن‌خلدون، ۱۳۸۳، ج ۳: ۸۶۷؛ مجمل‌التواریخ والقصص، ۱۳۱۸: ۳۰۵). برزیکانی‌ها سرانجام جای خود را به خاندان بنی‌عناز (۳۸۱-۵۱۱ ه.ق)، شاذنجانی‌گردتبار دادند و آن‌ها هم حدود یکصد و سی سال بر آن حکمرانی کردند (بویل، ۱۳۷۱، ج ۵: ۳۱؛ ابن‌الائیر، ۱۳۸۷ ه.ق، ج ۸: ۷۰۵-۷۰۶).

با فروپاشی حکومت خاندان‌های گُرد بر این منطقه و به قدرت رسیدن اتابکان لر آل‌خورشید (۵۸۰ ه.ق)، ایلام و لرستان کنونی، با عنوان ولایت لرستان در قلمرو لر کوچک قرار گرفتند (زکی‌بیگ، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۰۱-۲۰۲؛ راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۷؛ راد، ۱۳۷۴: ۱۶۴). با برچیده شدن حکومت اتابکان آل‌خورشید، به سال ۱۰۰۶ ه.ق. به دستور شاه عباس صفوی (ترکمان، ۱۳۷۷، ج ۲: ۸۶۱-۸۶۳؛ منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۱۵۹؛ هدایت، ۱۳۳۹، ج ۸: ۳۰۴)، والیان فیلی به عنوان حکام این ولایت برگزیده شدند و تا اوایل دوره قاجار در دو منطقه پشتکوه و پیشکوه و پس از آن تا اوایل دوره پهلوی بر منطقه پشتکوه حاکم بودند (منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۱۶۰؛ اسدی، ۱۳۹۶: ۵۹).

حمدالله مستوفی در عصر ایلخانی با ذکر تومان لر بزرگ و تومان لر کوچک این دو منطقه را جزو ولایت عراق عجم یا جبال ذکر نموده است. وی پیشکوه و جنوب پشتکوه را جزو تومان لر کوچک و مرکز و شمال پشتکوه را جزو ولایت کردستان محسوب کرده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۰-۷۱).

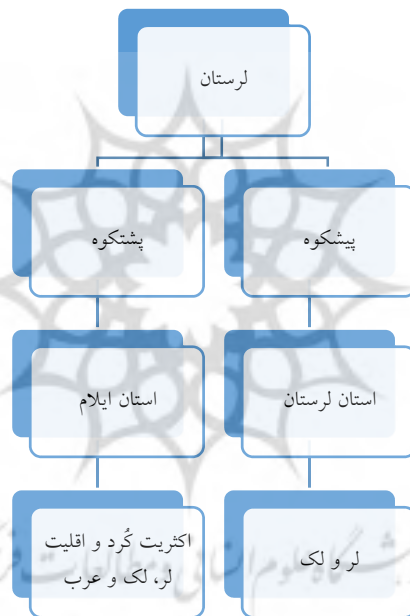
فتحعلی‌شاه قاجار در فرمانی به شاهزاده محمودمیرزا در سال ۱۲۴۲ ه.ق. لرستان فیلی را مهم‌ترین و مُعَظَم سرحدات عراق عرب دانسته است (منشآت، نسخه خطی: ۱۵۷). مشیرالدوله و هوگو گروته حدود لرستان فیلی را بین بروجرد، کرمانشاهان، عراق عرب، خوزستان و بختیاری تعیین کرده‌اند (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۹۷؛ گروته، ۱۳۶۹: ۴۰).

در منابع جغرافیایی و تاریخی قاجاریه به‌واسطه وجود رشته‌کوه کبیرکوه و محدود شدن حوزه نفوذ والیان فیلی به پشتکوه، به تدریج تعابیر پیشکوه و پشتکوه برای دو بخش از لرستان فیلی رواج پیدا کرد. کرزن پشتکوه را محل زندگی ایلات و طوایف فیلی دانسته است و بنا به گفته او منطقه ایلات و طوایف فیلی که قبلاً شامل تمام مردم لر کوچک بود،

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۷

پس از جدایی پیشکوه و پشتکوه، به ایلات و طوایف حوزه پشتکوه محدود شد (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۳۰).

مشیرالدوله تعبیر و نامیدن پیشکوه و پشتکوه را به واسطه وجود کوه کبار (کبیرکوه) دانسته و اراضی واقع در شمال شرقی کبیرکوه را پیشکوه و اراضی واقع در سوی دیگر آن را پشتکوه خوانده است (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۹۷). او حدود پشتکوه را از رود دویرج تا حوالی بادرائی و جسان و از سویی به خوزستان و از آنجا تا موازات مندلیج و عراق عرب و همچنین عراق عجم تعیین نموده است (همان: ۹۸). پشتکوه امروزه در غرب سلسله جبال زاگرس در گوشه غربی ایران واقع شده است (سالنامه آماری استان ایلام، ۱۳۹۴: ۲۵).



نمودار (۱-۲): ساختار جمعیتی اقوام ولایت لرستان در عصر قاجار

با توجه به بررسی اسناد و منابع گوناگون در خصوص حدود پشتکوه می‌توان چنین گفت که قلمرو طبیعی پشتکوه که در واقع قلمرو جغرافیای سیاسی-اداری والیان فیلی پشتکوه محسوب می‌شد، مناطق وسیعی از استان ایلام امروزی (محدوده شهرستان‌های آبدانان، ایلام، [بدره]، چوار، دهلران، سیروان، مهران، ملکشاهی و بخشی از چرداول) را پوشش می‌داده است (مظاهری، یعقوبی و یاری، ۱۳۹۸: ۴۸-۵۰: 631; Zanjani, 2006).

استان ایلام کنونی از جنوب با استان خوزستان، از شرق با استان لرستان و از شمال با استان کرمانشاه همسایه است و از سمت غرب دارای ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق است (سالنامه آماری استان ایلام، ۱۳۹۴: ۲۵). شوشتری که در دوره زندگی از لرستان فیلی و منطقه پشتکوه دیدن کرده است، از پشتکوه به عنوان سرحد ایران یاد کرده است و چنین می‌نویسد:

[این منطقه] از یک سمت به سرحد بغداد اتصال دارد، اما هرگز نشده است که رومیان [عثمانی‌ها] به آن‌ها تسلط یابند. هنگام مناقشه و برهم‌خوردگی، هرگاه پاشایان بغداد با لشکر بیکران در آن دیار درآیند، ولایت را خالی نموده، ناموس و اموال و مواشی را به اماکن صعب‌المسالک برند و خود جریده به تاخت و تاز پس و پیش آن لشکر مشغول شوند تا اینکه از فقدان غله و آذوقه به ستوه آمده برگردند (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۷۴).

در ارتباط با شهرهای واقع در پشتکوه در منابع جغرافیایی و تاریخی نوشته شده عصر قاجاریه، اطلاعات اندکی در دست است و دلیل آن نیز زندگی ایلپاتی و کوچ‌نشینی مردم این منطقه در این دوران بوده است که ظل‌السلطان در عصر قاجار و فریا استارک در اوایل دوره پهلوی به این موضوع اشاره نموده‌اند (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۰۸؛ استارک، ۱۳۶۴: ۷۱). فریا استارک در این ارتباط چنین می‌نویسد:

تا سال قبل در ناحیه مرتفع و دورافتاده پشتکوه، جز چند خانه در گوشه و کنار که به والی تعلق داشت مطلقاً خانه‌ای دیده نمی‌شد. اینک دولت ایران مشغول توسعه و احداث ساختمان در مرکز ناحیه در حسین‌آباد^۲ است... وقتی آدمی به اینجا سفر می‌کند یا خود فکر می‌کند که شاید این‌ها از آغاز تاریخ تاکنون به همین شیوه زندگی کرده‌اند، اما حقیقت این است که تمام منطقه از آثار و ویرانه روستاها و شهرهای باستانی پوشیده شده است (استارک، ۱۳۶۴: ۷۱).



نقشه (۱-۲): ولایت لرستان / لر کوچک (پشکوه و پشتکوه) عصر قاجار سال ۱۸۵۰ میلادی (برگرفته از نقشه ایران در عصر قاجاریه به سال ۱۸۵۰ میلادی ترسیم شده توسط جان تالیس و جان راپکین. Retrieved from <https://www.raremaps.com/gallery/detail/76128/persia-tallis>.)

۳. مناطق استراتژیک پشتکوه

از زمان انعقاد عهدنامه زهاب در سال ۱۰۴۹ ه.ق. در عصر صفوی و تعیین مرزهای غربی ایران و عثمانی، مساحت زیادی از مرزهای ایران در آن سوی سرحد پشتکوه تا کناره‌های رود دجله به صورت دقیق تعیین نشده بود (مرندی‌یکانلو، ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۳۴). منازعه اصلی ایران و عثمانی در سرحد پشتکوه شامل اراضی واقع در سمت شرقی رود دجله، حذافصل جبل حمزین تا رود دجله به عرض «پنج تا هشت نه فرسخ» و از بادرانی تا رود دویرج به طول نزدیک به «سی فرسخ» می‌شد (همان: ۱۰۰).

مهم‌ترین موارد اختلاف ایران و عثمانی در سرحد پشتکوه، احساس مالکیت دو دولت ایران و عثمانی بر معادن نمک پشتکوه و معادن نمک محال جسان، بدره، ژرباطیه و تراساق^۳ در خاک عثمانی، تسلط بر مناطق صیفی، ملخطاوی^۴ و باغسائی و همچنین مسئله بهره‌برداری از آب رودهای مرزی گنجائچم، گاوی و چنگوله توسط مردم ساکن در دو سوی مرزهای ایران و عثمانی بوده است (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۲۶-۲۵۸ و ۳۲۹-۳۳۰ و ۳۴۱-۳۴۳). به‌طور کلی می‌توان جبل حمزین، رودهای گنجائچم و گاوی و چنگوله، اراضی حاصلخیز صیفی و ملخطاوی، معادن نمک پشتکوه و منطقه

باغسائی را از جمله مناطق استراتژیکی پشتکوه و کانون تحولات مرزی این سرحد در عصر قاجار به‌شمار آورد.



نمودار (۱-۳): مناطق استراتژیک و مورد مناقشه ایران و عثمانی در سرحدات پشتکوه در عصر قاجار

سلسله جبال استراتژیکی حمیرین^۵ از جنوب مندلی در استان دیاله مجاور مرز پشتکوه آغاز و به جلگه خوزستان منتهی می‌شود که دارای خط‌الرأسی ممتد است. در طول این خط‌الرأس رشته قلال مجزایی از جنس خاک، به نام حلت، دیده می‌شود. رشته‌کوه حمیرین در قسمت شمال، مرتفع‌تر و هرچه به سوی جنوب امتداد می‌یابد از ارتفاعش کاسته می‌شود (افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۴۷-۴۸). ژان اوتر در سفرنامه خود به جبل حمیرین با عنوان کوه‌هایی کم ارتفاع و سرخ‌رنگ واقع در مرز ایران و عثمانی اشاره نموده است (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۸۹-۱۹۰). بر اساس نوشته‌های مشیرالدوله در رساله تحقیقات سرحدیه، تعیین حدود مرزهای ایران و عثمانی در پشتکوه اکثراً به تبعیت و بر اساس وضعیت طبیعی جبل حمیرین صورت گرفته است (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۱۰۲-۱۰۳).



نقشه (۱-۳): موقعیت جبل حمربین و رودهای کُنجانچم و گاوی در مرزهای غربی ایران (رزم‌آرا، ۱۳۲۰، نقشه شماره ۸: ۱۵).

رودهای مرزی پشتکوه شامل سه رود عمده کُنجانچم، گاوی و چنگوله می‌شوند. رود کُنجانچم از سراب کل‌کل از ارتفاعات شلم کوه‌های سیوان در جنوب ایلام، سرچشمه گرفته و در جهت شمال‌شرقی به جنوب‌غربی، پس از طی ۱۲ کیلومتر از خط مرزی ایران و عراق به رودخانه گاوی ملحق می‌شود. سرچشمه اصلی رود کُنجانچم ارتفاعات چنگینه، علی‌بیگی و کوه ملاشاه هستند. شعباتی که به رود کُنجانچم ملحق می‌شوند، یکی گلال آب‌آفتاب است که از میشخاص سرچشمه می‌گیرد و دیگری رود چشمه‌ملک که از کوه شاه‌نخجیر (شَنجیر) سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه پس از عبور از صالح‌آباد و شهرستان مهران به رود دجله در کشور عراق می‌ریزد. طول رود کُنجانچم تا مرز ایران و عراق ۹۰ کیلومتر است (افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۵۵؛ رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۷).

رودخانه گاوی از ارتفاعات سیاه‌کوه، دامنه غربی کبیرکوه سرچشمه گرفته و آب‌های چشمه‌دره و بالشک‌آب گلال میرمحمد از شعبات تغذیه‌کننده این رود هستند. مسیر رودخانه گاوی از شرق به غرب است که پس از طی مسافتی وارد دشت مهران شده و پیش از عبور از آبادی رستم‌آباد مهران، در نقطه مرزی به رودخانه کُنجانچم ملحق می‌شود. این رود، تأمین‌کننده آب زراعی دشت محسن‌آب مهران است (افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۵۵؛ رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۷).

رودخانه چنگوله در ۴۰ کیلومتری ایلام از آب بیوره سرچشمه می‌گیرد. مسیر این رود از شمال‌شرقی به جنوب‌غربی است و شعباتی همچون آب‌کنات، تاسمورت و فراورد به

آن ملحق می‌شوند. این رود پس از عبور از منطقه‌ای به نام دوآب، از مرز خارج شده منطقه باغسائی در عراق را مشروب ساخته و به رود دجله می‌پیوندد. طول رودخانه چنگوله تا مرز ایران و عراق ۸۴ کیلومتر و آب آن کمی شور و گوگرددار است (افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۵۵-۵۶؛ رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۷).

باغسائی (باکسایا/باغشاهی/باغسای) نیز از جمله مناطق مهم و استراتژیک پشتکوه محسوب می‌شد. این منطقه تنها منطقه‌ای در پشتکوه است که نام آن به صورت مستمر از دوره باستان تا اوایل دوره پهلوی در اسناد و منابع تاریخی ذکر شده است (بصیرت‌منش و مرادی‌مقدم، ۱۳۹۸: ۹). مرندی یکانلو در ارتباط با حدود منطقه باغسائی چنین آورده است:

شرقاً و شمالاً به اراضی دولت علیه ایران [قاجار] متصل است و غرباً به اراضی بادرائی و جسان و جنوباً به حاضیه یسار شط بغداد [رود دجله] منتهی می‌باشد... شمالاً به جبل حمرین و شرقاً به دویرج [رود دویرج] یعنی از هر دو طرف مزبوره به خاک ایران متصل و به خاک پشتکوه محدود است (مرندی یکانلو، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۱۰۱).

بنا به گزارش مشیرالدوله، حسن خان والی جد والیان فیلی قلعه‌ای در غرب باغسائی ساخته بود که در زمان وی مخروبه شده و در میان اعراب مرزی به صدرالحد (مبدأ حد) معروف بود. این نقطه که مصب رودخانه چنگوله به شط (رود دجله) بود، حدود قدیمی ایران و عثمانی از زمان سلطان مراد چهارم و شاه صفی صفوی محسوب می‌شد و در گذشته اشعاری در همین زمینه بر آن نقش بسته بود (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۹۹). در منطقه باغسائی علاوه بر این قلعه، قلعه‌های دیگری همچون قلعه قدیم، قلعه تازه (قیران)، قلعه چنگوله، قلعه صیفی، قلعه ملخطوای (مرندی یکانلو، ۱۳۹۵: ۵۰ و ۱۰۳ و ۲۱۵ و ۲۸۹)، قلعه کوت‌القمیش (حسینیه) (مشیری، ۱۳۴۸: ۹۸ و ۱۰۰) و قلعه ثامر در جنوب‌غربی مزرعه شهابی وجود داشتند (مشیرالدوله، نسخه خطی: ۸۴). فریا استارک در سفرنامه خود به این منطقه با عنوان «باغ‌شاه» در مرز ایران و عراق اشاره نموده که منطقه‌ای سرسبز و دارای درختان نخل، زردآلو و انار بوده است (استارک، ۱۳۶۴: ۲۱۳).

رود مرزی چنگوله از منطقه باغسائی می‌گذشت و به مسافت «سه فرسخ» نهرهایی را برای زراعت و آبیاری در دو طرف آن ایجاد کرده بودند. میرزامجبعی‌خان در سال ۱۲۸۷ ه.ق. برای اثبات تعلق باغسائی به خاک ایران نه نهر بزرگ و کوچک باغسائی و مساحت اراضی زراعی تحت پوشش این نهرها را ذکر کرده است (مرندی یکانلو، ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۶۳؛

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۱۳

بصیرت منش و مرادی مقدم، ۱۳۹۸: ۱۷) و غلامرضاخان والی پشتکوه در سال ۱۳۲۸ ه.ق. برای اثبات تعلق باغسائی به خاک ایران به معرفی نهرها و زارعان باغسائی پرداخته است (استادوخ، ۸-۲۴-۱۳۲۸ ق؛ بصیرت منش و مرادی مقدم، ۱۳۹۸: ۱۷).



نقشه (۲-۳): موقعیت باغسائی با رنگ زرد و رود چنگوله با رنگ قرمز در مرزهای ایران و عثمانی (برگرفته از نقشه مرزهای ایران و عثمانی ترسیم شده توسط افسران روسی و انگلیسی در طی سال‌های ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۵ میلادی با امضای ژنرال سرهنری جیمز مدیرکل آژانس ملی نقشه برداری بریتانیا، بخش جغرافیا و نقشه‌های کتابخانه ملی کنگره آمریکا، واشنگتن دی.سی.

(Retrieved from <https://www.loc.gov/resource/g7431fm.gct00207>)

در میان مراتع و دشت ایلام در حوضه شمال غربی این منطقه و در نزدیکی ارتفاعات میمک حدود مراتع ایلات و طوایف بوئی، خزل، میشخاص و پنج‌ستون، معادن نمک پشتکوه شامل سه رباط نمک دشتلگ (ده‌یشته‌له‌گ)^۷، تاریکه (تیه‌ریکه) و داوده (داوته)، در مرز ایران و عراق امروزی قرار داشتند (استادوخ: ۶۵-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق.) و در آن سوی مرز در محال جسان، بدره، زرباطیه و ترساق معادن مرزی عثمانی قرار داشتند که در زمان حکمرانی والیان فیلی پشتکوه مورد اختلاف والیان مرزی ایران و حکومت عثمانی بودند (نورائی و مهمان نواز، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۴). این معادن نمک امروزه نیز با همین اسامی وجود دارند و یکی از عوامل تأثیرگذار بر تحولات مرزهای ایران و عثمانی به‌شمار می‌رفتند.



نقشه (۳-۳): موقعیت معادن نمک استان ایلام کنونی، نقطه‌های سبزرنگ نشان دهنده معادن نمک هستند و معادن نمک دشتلگ و تاریکه-داوته/ (داوده) با شماره‌های ۲ و ۱۰ در نزدیکی مرزهای شمال غربی استان ایلام واقع شده‌اند (نوراللهی، ۱۳۹۸: ۴۸۳).



نقشه (۴-۳): موقعیت تقریبی معادن پشتکوه و معادن نمک محال جَسان، بَدِره، ژرباطیه و تُرساق شماره (۱) معادن نمک پشتکوه در قلمرو ایران و شماره (۲) معادن نمک محال جَسان، بَدِره، ژرباطیه و تُرساق در قلمرو عثمانی (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: برگرفته از نقشه پشتکوه، بخش ضمائم).

۴. تحولات مرزهای غربی پشتکوه در عصر والیان فیلی

والیان فیلی یکی از والیان چهارگانه سرحدی عصر صفوی محسوب می‌شدند (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸: ۵). اسماعیل خان والی آخرین فرد از خاندان فیلی بود که در اواخر دوره افشاریه، دوره زندیه و اوایل عصر قاجار در لرستان و ایلام حاکم بود و بعد از وی در دوره فتحعلی شاه قاجار و والی‌گری نوه‌اش حسن خان، قلمرو این حکام به پشتکوه محدود شد (لایارد، ۱۳۶۷: ۳۰۴-۳۰۸؛ اسدی، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۱؛ مرادی‌مقدم، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

والیان پشتکوه با بهره‌گیری از قدرت نظامی ایلات و طوایف ساکن در پشتکوه به عنوان بازوی نظامی و سپر دفاعی سرحدی ایران عمل می‌نمودند و با اخذ مالیات از مردم پشتکوه و ارسال مالیات جمع‌آوری شده به مرکز در تأمین بودجه نظامی سپاه ایران مشارکت داشتند. در سیستم جمع‌آوری مالیات پشتکوه، کارگزاران والی، عالیجاه توشمال (سرتوشمال)^۱ و توشمالان ایلات، کدخدایان طوایف و ریش سفیدان تیره‌ها نقش اساسی را بر عهده داشتند و عامه مردم که اکثریت جمعیت پشتکوه را تشکیل می‌دادند، ملزم به دادن مالیات سالانه بودند و در مواقع لزوم سربازان سپاه والی را تشکیل می‌دادند (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۳۵-۲۳۶؛ ظل‌السلطان، ۱۳۶۸: ۵۷۴-۵۷۷).



نمودار (۴-۱): والیان فیلی پشتکوه در عصر قاجار (انیس‌المسافر، ۱۳۸۴: ۲۱۶؛ اسدی، ۱۳۹۶: ۷۰).

۱.۴ حسن خان والی سرحددار مرزهای غربی ایران

اسماعیل خان والی که در دوره کریم خان زند با او به مخالفت پرداخته بود با به قدرت رسیدن آقامحمدخان قاجار، به او پیوست و در منصب والی گری لرستان (پیشکوه و پشتکوه) باقی ماند (ساروی، ۱۳۷۱: ۱۵۲). با مرگ اسماعیل خان والی، حسن خان نوه اش جانشین او شد. حسن خان از هواخواهان آقامحمدخان قاجار به شمار می رفت و در دستگیری و کور کردن محمدخان زند که پس از شکست از قوای قاجار به لرستان پناه آورده بود، نقش داشت (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹: ۷۴۵۸). در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار که وی سعی در تثبیت قدرت خود داشت، اقدام به محدود کردن نفوذ و حیطة قدرت حکام و امرای محلی کرد، لرستان نیز از این قاعده مستثنی نبود و حوزه نفوذ والیان فیلی به پشتکوه محدود شد (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۱-۵۲؛ راد، ۱۳۷۴: ۱۹۵).

در این دوره سیاست شاه قاجار برای حفاظت از مرزهای غربی ایران در برابر تجاوزات عثمانی ها، ایجاد منصبی به عنوان صاحب اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم بود که والیان و حاکمان غرب کشور به استثنای آذربایجان زیر نظر وی قرار می گرفتند. شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه که هم به عنوان حاکم کرمانشاهان (۱۲۲۱ ه.ق.) محسوب می شد و هم صاحب اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۴۸۲-۱۴۸۳)، برای مقابله با تجاوزات عثمانی ها و فشار بر سیاستمداران دولت عثمانی برای جابه جایی قدرت در رأس هرم حکومت والیان بایان، از حسن خان والی و نیروهای عشایری فیلی پشتکوه از جمله موسی خمیس رئیس ایل ملکشاهی در نبردهای سال های ۱۲۲۱-۱۲۲۲ ه.ق. و ۱۲۳۶-۱۲۳۷ ه.ق. که با فتح شهرزور و سلیمانیه، نفوذ در صفحات کرکوک و موصل و محاصره بغداد همراه بود، بهره برد. ایلات و طوایف فیلی در این نبردها قسمت قابل توجهی از سپاه ایران را تشکیل می دادند و در این فتوحات نقش به سزایی داشتند (سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۲۹-۳۳۰؛ هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹: ۷۷۸۱؛ الفیلی، ۲۰۰۹: ۱۶۴-۱۶۶؛ محمدزاده، ۱۳۸۹: ۲۸؛ اسدی، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۷).

به سبب قدرت نظامی حسن خان والی و با وجود سیاستمداران با کفایتی همچون شاهزاده محمدعلی میرزا قاجار (دولتشاه) و سپس فرزندش محمدحسین میرزا حشمت الدوله به عنوان صاحب اختیاران سرحدات عراقین عرب و عجم (منشآت، نسخه خطی: ۱۳۹-۱۴۱)، دولتمردان عثمانی و پاشای بغداد تمایل چندانی برای تجاوز به سرحد

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۱۷

پشتکوه نداشتند و مرزهای پشتکوه که بر اساس عهدنامه زهاب در دوره صفویه (۱۰۴۹ ه.ق.) تعیین شده بود، بدون تغییر باقی ماند. در این عهدنامه، محال جَسان و بدرائی جزو قلمرو عثمانی و مهران و توابع آن جزو قلمرو ایران تعیین شده بودند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. محمد معصوم، خلاصه السیر، سنورنامه شاه صفی و سنورنامه مصطفی پاشا به وکالت سلطان مراد چهارم: ۲۶۸-۲۷۵؛ مشیرالدوله، رساله تحقیقات سرحدیه، نسخه خطی، سواد عهدنامه زهاب در تاریخ شوال ۱۰۴۹ ه.ق.: ۵۱-۵۶).

با این وجود در سال ۱۲۳۷ ه.ق. محمدحسین میرزا صاحب اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم که پس از مرگ شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه از سوی فتحعلی شاه قاجار به جانشینی پدرش منصوب شده بود، به یاری والیان و حکام سرحدی ایران شهرهای مهم محال مرزی عثمانی در مجاورت پشتکوه از جمله مندلیج (مندلی)، جَسان، بدرائی (بدره) و ژرباطیه را تصرف کرد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۶۶-۵۶۷) و در سال بعد، این محال مرزی را در ازای دریافت باج و با شرایطی سنگین به داوودپاشا والی بغداد واگذار نمود (همان: ۵۷۵-۵۷۷). در گزارش راولینسون به اخذ مالیات از اهالی بدرائی (بدره) توسط حسن خان و تحویل آن به حاکم کرمانشاه اشاره شده است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۵۲).

حسن خان والی در دوران مسئولیت محمدعلی میرزادولت شاه و فرزند او محمدحسین میرزا به عنوان صاحب اختیاران سرحدات عراقین عرب و عجم به خوبی توانست از سرحد پشتکوه در مقابل تهاجمات قوای عثمانی محافظت نماید و حتی دامنه نفوذ حکومت ایران را تا محال جَسان، بدره، ژرباطیه و تُرساق در قلمرو عثمانی گسترش بدهد.

۲.۴ حاکمیت سه گانه علی خان، حیدرخان و احمدخان

پس از مرگ حسن خان والی ۱۲۵۵ ه.ق.، بر سر جانشینی او میان پسرانش رقابت و کشمکش هایی به وجود آمد. محمدشاه قاجار نیز برای رفع این غائله، هر کدام از فرزندان والی را به حکومت یک بخش از پشتکوه منصوب نمود. علی خان به حکومت جنوب پشتکوه شامل صفحات کُرد، شوهان، دهلران و آبدانان تعیین شد. احمدخان به حکومت مناطق شمالی شامل خزل، چرداول و ملکشاهی تعیین گردید و حیدرخان نیز حکومت مناطق مرکزی و غربی پشتکوه شامل دهبالایی، بدره، علی شروان، عالی بیگی، ملخطاوی،

ارکوازی، بولی و پنج‌ستون را بر عهده گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۲۰۷۱-۲۰۷۶؛ رفعتی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۰). مشیرالدوله در رابطه با تعیین حدود حوزه قلمرو والیان سه‌گانه و اوضاع نابسامان پشتکوه چنین می‌نویسد:

به لحاظ تعدد ولات، پشتکوه عرضاً به سه حصه منقسم است. حصه اول از دویرج^۹ و اناران^{۱۰} که قلمرو علی‌خان است و حصه دوم و سوم از اناران تا رودخانه کانی‌شیخ^{۱۱} که قلمرو حیدرخان و احمدخان است. اگرچه قلمرو این دو برادر هم مشخص و مفروض است ولیکن قطعات مخلوط هم است. ولات ثلاثه مزبوره پسران حسن‌خان فیلی [است] و اکنون هرکدام در قلمرو خود حکمران به اجازه دولت و صاحب نقاره‌خانه و ایشیک آقاسی و فراشباشی و تفنگچی و صف سلام هستند. وقت امنیت با همدیگر ضد و هنگام ناامنی و روز تنگی غالباً با یکدیگر معاضد می‌باشند. وقت مرور فدوی کمال نفاق و عداوت را با هم داشتند. می‌توان گفت مضایقه از تضييع جان و مال یکدیگر نمی‌کردند (مشیرالدوله، نسخه خطی: ۸۰).

آشفستگی و ناامنی روزافزون منطقه پشتکوه، به واسطه حکومت چندگانه فرزندان حسن‌خان و تضاد و دشمنی آن‌ها با یکدیگر، موجب تصرف معادن نمک دشت‌های شمال‌غربی پشتکوه توسط والی بغداد شد. عدم وجود قدرتی متمرکز در پشتکوه باعث مشکلاتی از قبیل عدم بهره‌مندی کشاورزان صیفی و ملخطاری از آب رودخانه‌های مرزی گنجانچم و گاوی و همچنین مشکلاتی بر سر بهره‌برداری از مراتع مرزی توسط ایلات و طوایف پشتکوه به وجود آورد.

عثمانی‌ها پس از مرگ حسن‌خان و نابسامانی‌های منطقه در زمان تقسیم حدود پشتکوه میان فرزندان سه‌گانه والی به مرزهای غربی هجوم آورده، معادن نمک پشتکوه را تصرف نمودند اما حیدرخان حاکم صفحات مرکزی و غرب پشتکوه علاوه بر باز پس‌گیری معادن پشتکوه، معادن نمک عثمانی در محال‌جسان، بدره، ژرباطیه و ترساق را تصرف نموده و به حوزه قلمرو پشتکوه افزود (مرادی‌مقدم، ۱۳۸۷: ۱۵۱؛ نورائی و مهمان‌نواز، ۱۳۹۱: ۲۶).

بازپس‌گیری معادن نمک اشغال شده پشتکوه و تصرف معادن عثمانی توسط حیدرخان با کمک ایلات و طوایف تحت امر خود، زمینه اعتراضات دولت عثمانی به حکومت مرکزی ایران را فراهم ساخت (احتشامی، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۴۵). از اسناد به‌جای مانده در سال ۱۲۷۱ ه.ق. چنین استنباط می‌شود که حیدرخان والی به توصیه و فشار دولت مرکزی ایران و در رأس آن‌ها میرزا آقاخان نوری صدراعظم وقت و شاهزاده خانلرمیرزا احتشام‌الدوله

حاکم لرستان و خوزستان که نگران روابط فی مابین ایران و عثمانی بودند، مجبور به تخلیه معادن نمک واقع در قلمرو عثمانی شده است (احتشامی، ۱۳۸۳: ۱۴۲ و ۱۵۲-۱۵۳ و ۱۵۱-۱۵۶).

۳.۴ عباسقلی خان و تزلزل در مرزهای پشتکوه

با مرگ حیدرخان و احمدخان و به دنبال سیاست تفرقه افکنی شاه قاجار، حسینقلی خان فرزند حیدرخان و عباسقلی خان فرزند احمدخان به صورت مشترک به والی گری پشتکوه منصوب شدند و این امر موجب سوءاستفاده و تعرض دوباره عثمانی‌ها به مرزهای غربی پشتکوه شده و اراضی صیفی و ملخطای و منطقه باغسائی توسط آنان اشغال گردید.

در ربیع‌الاول سال ۱۲۷۸ ه.ق. با فشار سیاسی دولت ایران و قدرت نظامی حسینقلی خان والی پشتکوه، عثمانی‌ها اراضی صیفی و ملخطای و همچنین باغسائی را تخلیه نمودند و از والی پشتکوه خواسته شد در این مناطق حرکتی علیه عثمانی نکند. در همین سال حسینقلی خان ابوقداره تمامی مالیات اراضی ملخطای را که بر حسب قراردادهای پیشین قرار بود با عشیرت الطعان تابع دولت عثمانی نصف شود، به تصرف درآورد و به بدره و ژرباطیه واقع در قلمرو عثمانی حمله کرد که این امر باعث اعتراض رسمی احمد توفیق پاشا والی بغداد شد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۲۶-۲۲۷).

پس از مدتی والی گری مشترک، عباسقلی خان به کمک ضیاءالملک حاکم لرستان و خوزستان زمینه برکناری حسینقلی خان را از حکومت پشتکوه فراهم ساخت. برکناری حسینقلی خان و ضعف عباسقلی خان، عثمانی‌ها را تحریک به توسعه ارضی خود نمود. به همین دلیل پاشای بغداد و نیروهای تحت امر او از این فرصت استفاده نموده و به سرحد پشتکوه تجاوز کردند و معادن نمک پشتکوه را در سال ۱۲۷۹ ه.ق. تصرف نمودند و به دنبال آن در سال ۱۲۸۰ ه.ق. اهالی ژرباطیه در خاک عثمانی، آب رودخانه گنجانچم را تصاحب کرده و مانع استفاده مردم ملخطای و صیفی از آب این رود شدند (همان: ۲۲۸-۲۲۹).

تعدیات سپاه عثمانی از یک سو و هجوم تیره بنی‌رحمه از اعراب بنی‌لام از سوی دیگر، باعث به وجود آمدن ناآرامی در مرزهای پشتکوه شده و مشقت‌هایی برای ایلات و طوایف ساکن در مرزهای غربی به وجود آورد. سستی و ضعف عباسقلی خان و کسب تکلیف از

دولت مرکزی برای مقابله با عثمانی‌ها در دو سند جداگانه به‌جای مانده در سال‌های ۱۲۸۰-۱۲۷۹ ه.ق. به خوبی آشکار می‌شود (استادوخ: ۴۸-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق. و ۴۷-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق.).

دولت ایران در دو نامه جداگانه در ماه رمضان سال ۱۲۸۰ ه.ق. و ۲۲ ذی‌القعدة ۱۲۸۰ ه.ق.، خواستار رسیدگی به وضع موجود شد و خواهان دادن آب به مردم ملخطای و صیفی گردید و همچنین نامه‌نگاری‌هایی از سوی مقامات ایرانی و عثمانی بر سر مالیات مناطق ملخطای و صیفی و تقسیم آب گنجانچم صورت پذیرفت که در آن اسناد قاطعانه از حق طبیعی ایران مبنی بر مالکیت مناطق حاصلخیز ملخطای و صیفی و همچنین استفاده کشاورزان و زارعین این مناطق از آب رودخانه گنجانچم دفاع شد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۲۸-۲۵۸).

اعتراض میرزابزرگ خان کارپرداز ایران در بغداد به عباسقلی خان، در پی سستی او در مقابله با تجاوزات عثمانی و ذکر حمیت و توانایی حسینقلی خان پسرعموی او که در دوران والی‌گری مشترکشان با یاری نیروهایی از ایل ملکشاهی توانسته بود سهم مردم پشتکوه از معادن نمک را دریافت نماید، نشان‌دهنده نارضایتی سیاستمداران ایرانی از عملکرد عباسقلی خان است (استادوخ: ۱۴-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق.). اسناد به‌جای مانده از دوران کوتاه‌مدت والی‌گری عباسقلی خان، نشان‌دهنده تضاد و دوگانگی نظرات والی و دولتمردان ایرانی است (استادوخ: ۴۸-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق.).

نکته حائز اهمیت دیگری که پس از مرگ حسن خان والی و در طی حکومت والیان سه‌گانه و والی‌گری مشترک حسینقلی خان و عباسقلی خان و پس از آن نمود پیدا کرد، مسئله مهاجرت بی‌رویه مردم پشتکوه به عراق عرب در خاک عثمانی و دیگر ولایات ایران بوده است. جمعیت پشتکوه در این دوران و در طی سال‌های ۱۲۵۰ ه.ق. تا ۱۲۸۰ ه.ق. به‌واسطه مالیات سنگین، درگیری‌ها و کشمکش‌های والیان بر سر جانشینی و خشکسالی‌های ناشی از مصادره آب رودهای مرزی گنجانچم، گاوی و چنگوله توسط عثمانی‌ها در دوره والی‌گری عباسقلی خان، از دوازده هزار خانوار (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۵۲) به هفت هزار و پانصد خانوار کاهش یافت (استادوخ: ۲۴-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق.).

ناکارآمدی عباسقلی خان در اداره پشتکوه و ناتوانی او در دفع تجاوزات پاشای بغداد به نواحی مرزی پشتکوه و مهم‌تر از همه کاهش چشمگیر جمعیت این منطقه، زمینه عزل وی

را توسط حکومت مرکزی فراهم ساخت و حسینقلی خان به دنبال فترتی چندساله به حکومت پشتکوه منصوب شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۲۰۷۱-۲۰۷۶). در دوره والی گری عباسقلی خان، منطقه پشتکوه شاهد تجاوزات گسترده عثمانی ها بود و ضعف عباسقلی خان و تنش در روابط او با دولتمردان مرکزی زمینه را برای تصرف معادن نمک پشتکوه و منطقه باغسائی و مصادره منابع آبی رودخانه های مرزی ایران توسط دولت عثمانی و عشایر ساکن در قلمرو آن کشور فراهم ساخت.

۴.۴ اقتدار حسینقلی خان ابوقداره و سیاست محافظه کارانه دولت مرکزی

حسینقلی خان ابوقداره که پس از عزل عباسقلی خان مجدداً به والی گری پشتکوه منصوب شد، علاوه بر یاری رساندن به ظل السلطان در دفع شورش های ایلات و طوایف لر (ظل السلطان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۲۴-۶۳۷)، مدت ها بر سر دست یابی بر معادن نمک پشتکوه، منطقه باغسائی و اراضی صیفی و ملخطاوی در منتهی الیه غربی مرز ایران و عثمانی و همچنین بهره برداری حداکثری از آب رودخانه های گنجانچم، گاوی و چنگوله با سپاهیان عثمانی درگیر بود (صفایی، ۱۳۶۶: ۷۷-۷۹).

حسینقلی خان در ابتدا معادن نمک پشتکوه را که مدتی در اشغال عثمانی ها بود، بدون اطلاع و کمک دولت مرکزی ایران، تصرف نمود. در کتاب انیس المسافر نوشته غلامرضا خان والی به بازستاندن معادن نمک پشتکوه توسط حسینقلی خان ابوقداره از عثمانی ها اشاره شده است. در این نبرد که سرکردگی سپاهیان والی بر عهده موسی خان برادر والی و میرزا موسی خان [رشنوادی] بوده است، سپاهیان عثمانی به فرماندهی محمدپاشا درصدد مقابله برآمدند، اما سرانجام شکست خورده و معادن نمک پشتکوه از عثمانی ها بازستانده شدند (غلامرضا خان فیلی، ۱۳۸۴: ۲۲۲-۲۲۳).

کرزن، حسینقلی خان را برجسته ترین سرکرده زنده مرزی خوانده که قادر بوده است تا ۳۰.۰۰۰ نیرو را جمع آوری نماید و می نویسد که حملات حسینقلی خان والی به شهرهای مرزی عثمانی برای غارت سلاح های عثمانی ها بوده است (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۳۷). دمورگان، او را سلطانی کوچک و حاکم مطلق کوهستان های خویش [پشتکوه] خوانده است (دمورگان، ۱۳۳۸: ۲۵). ناصرالدین شاه و شاهزادگان قاجار نیز که به دنبال درگیری با عثمانی ها نبودند و همچنان به معاهده های ارزروم اول و دوم و مفاد آن ها پایبند بودند با

تکیه بر قدرت نظامی حسینقلی خان، تمامی بار مسئولیت دفاع از مرزهای پشتکوه را بر عهده والی و ایلات و طوایف منطقه وا نهاده بودند.

در گزارش و تلگرافی بدون تاریخ از ظل السلطان به ناصرالدین شاه، از او درباره درخواست‌های مکرر حسینقلی خان والی پشتکوه و معین‌الملک برای مقابله با تجاوزات عثمانی‌ها کسب تکلیف شده است. در این تلگراف، سیاست شاه و شاهزادگان قاجاری در این دوره و در ارتباط با مسائل مرزی به خوبی نمایان می‌شود. در بخشی از این تلگراف چنین آمده است:

... عقیده غلام این است که ابداً از طرف ما اظهار نشود و والی خود دفع شر آن‌ها بکند، همین قسم که والی بغداد بدون اطلاع ما این اقدامات را می‌نماید حسینقلی خان هم خود درصدد برآمده چنان نموده شود که ما هیچ اطلاع نداریم، اگر از طرف دولت عثمانی اظهار شود جواب شافی داریم که چرا بی اطلاع ما اقدام به این کار کرده است. والی هم بدون اطلاع ما منع و دفع نموده است، این فقره به عقل ناقص غلام چنین می‌رسد و الا واضح است که عقول ضعیف ما در نزد عقل سلیم ملوکانه نمی‌تواند رأی بدهد... هر قسم مقرر خواهند فرمود اطاعت و رفتار شود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

جوایبه ناصرالدین شاه به این تلگراف بدین مضمون آمده است:

ظل السلطان- این عقیده شما صحیح است همین‌طور البته دستورالعمل به والی بدهید عثمانی‌ها گوه می‌خورند که می‌خواهند...^{۱۲} بکنند، شما که حاکم آن صفحات هستید، مسئول دولت هستید که نگذارید یک وجب دول خارجه قدمی پیش گذارند باقی جواب سؤال با دولت است به شما هیچ حرجی نیست، خیلی زود تلگرافی دستورالعمل والی را همین‌طور بدهید و این دستخط را هم بدهید جناب وزیر خارجه ملاحظه کند (صفائی، ۲۵۳۵: ۷۸-۸۰).

حسینقلی خان پس از دریافت پیغام شاه و شاهزاده قاجار، عده‌ای از سواران ایل ملکشاهی را در سال ۱۲۸۶ ه.ق. برای مقابله با تجاوزات عثمانی‌ها و ایجاد ناآرامی در مرزهای عثمانی به ژرباطیه و جمعی از تفنگچیان خود را به مندلی گسیل داشت (گزیده اسناد سیاسی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۱۴-۶۱۶).

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۲۳

در دوره صدر اعظمی سپهسالار و بر اساس قرارداد استاتوس کو/استاتوکو بین دو دولت ایران و عثمانی

قرار رسمی بر این بود که باغسائی و غریبه از طرفین بالکلیه متروک الزرع بماند تا قرار کلیه عمل حدود داده شود و همان وقت صیفی و ملخطاوی در تحت زراعت و تصرف ایران بود و اصلاً [عثمانی‌ها] حرفی در آن نمی‌زدند (مُتَمَّا، ۴۶۴۸۷ ق: ۲).

البته «وضع ژئوگرافی و طبیعی آنجا خود گواهی می‌داد که مُلک ایران است» (مُتَمَّا، ۴۶۴۸۷ ق: ۲) و در عمل این والی پشتکوه بود که این اراضی و حتی بخشی از محال جَسان، بَدَره، ژرباطیه و تُرساق را تحت تصرف خود داشته و کشاورزان ایرانی در آن به زراعت می‌پرداختند.

عثمانی‌ها بعد از ادعای مالکیت باغسائی، ادعای مالکیت اراضی حاصلخیز صیفی و ملخطاوی را نمودند. در سال ۱۲۸۷ ه.ق. سپاهیان عثمانی قصد تصرف باغسائی، بیات و دهلران را داشتند. دولت ایران که نگران این بود که عثمانی‌ها علاوه بر پشتکوه به دیگر مناطق سرحدی ایران از جمله دشت زهاب نیز تعرض کنند، از والی پشتکوه خواست جلوی آن‌ها را بگیرد و همچنین از حسینقلی خان خواسته شد علاوه بر جلوگیری از تجاوز عثمانی‌ها به مرز پشتکوه، اعراب شورشی دولت عثمانی را وادار به حمله به جَسان، بَدَره و مندلی کرده تا زمینه ناامنی در قلمرو عثمانی را فراهم سازند (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۲۳-۲۲۵).

وزیر مختار انگلیس با رد ادعای عثمانی‌ها، چنین اظهار نظر کرده است: «در صورتی که سابقاً حرف در غریبه و باغسائی بوده و آن‌طور قرار شده و حرفی در اراضی دیگر نبوده است، چگونه مقدر است در اراضی صیفی و ملخطاوی که این طرف باغسائی در داخله ایران است ایجاد ادعایی بشود» (مُتَمَّا، ۶۴۴۸۷ ق: ۲ و ۶۴۴۸۸ ق: ۳). سفیر روسیه نیز مقامات ایرانی و عثمانی را به ارائه مستندات و دلایل حقانیت حق خود برای تعیین ادعاهای مطرح شده فراخواند (مُتَمَّا، ۶۴۴۸۸ ق: ۳).

چند سال بعد و در سال ۱۲۹۵ ه.ق. عثمانی‌ها مدعی مالکیت بر معادن نمک پشتکوه شدند. در جواب این ادعای عثمانی‌ها، ناصرالدین شاه نامه‌ای به دربار عثمانی نوشت و حق مسلم مالکیت ایران بر معادن نمک پشتکوه را خاطر نشان ساخت. او در این نامه مرز ایران و عثمانی را پنج فرسنگ جلوتر از این معادن نمک دانسته و محل معادن نمک پشتکوه را در

داخل خاک ایران ذکر کرده است (نصیری، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۰۲-۲۰۳؛ اکبری و یاری، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۲).

در این دوره، اختلافات دامنه‌دار ایران و عثمانی در مورد مناطق مرزی پشتکوه شامل اراضی صیفی و ملخطای و منطقه باغسائی ادامه داشت (نصیری، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۰۸ و ۳۱۵). در جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۰ ه.ق. توشمال بلاسم از سران ایل ملخطای به همراه برادرش طاهر و چهل تا پنجاه نفر از تفنگچیان این ایل، مأمور حمله و غارت بدره و ناامن کردن آن منطقه شدند (گزیده اسناد سیاسی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۸۱-۶۸۲).

حسینقلی خان والی پشتکوه در سال ۱۳۰۵ ه.ق.، اراضی سیدحسن^{۱۳} و باغسائی را تصرف نمود. حسینقلی خان که در آن دوره دارای توان نظامی رویارویی با عثمانی‌ها بود، عده‌ای از کشاورزان پشتکوهی را در اراضی سیدحسن اسکان داد، که با اعتراض عثمانی‌ها همراه بود. عثمانی‌ها که مالکیت والی پشتکوه بر اراضی مرزی ایران و عثمانی را بر نمی‌تابیدند، در سال ۱۳۱۳ ه.ق. در طی نامه‌ای مراتب اعتراض خود را به دولت ایران اعلام نمودند، ولی دولت ایران اعتراض عثمانی‌ها را وارد ندانسته و اراضی سیدحسن را متعلق به ایران دانست (همان: ۳۲۳ و ۳۴۱). ابوقداره همچنین بارها اعراب بدوی مهاجم را که برای غارت و دستبرد به مرزهای پشتکوه هجوم می‌آوردند تا کرانه دجله به عقب راند (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۱۰۷؛ اسدی، ۱۳۹۶: ۶۲).

سرحد پشتکوه در دوره والی‌گری حسینقلی خان ابوقداره به واسطه بهره‌گیری او از قدرت نظامی ایلات و عشایر منطقه در آرامش نسبی به سر می‌برد. حسینقلی خان علاوه بر باز پس‌گیری معادن نمک دشتلگ، تاریکه و داوته از عثمانی‌ها، اراضی صیفی و ملخطای و منطقه باغسائی را در قلمرو ایران حفظ نمود.

۵.۴ وضعیت مرزهای پشتکوه در عهد غلامرضاخان فیلی

غلامرضاخان والی در سال ۱۳۱۸ ه.ق. و پس از مرگ پدرش حسینقلی خان از سوی مظفردالدین شاه قاجار جانشین وی شد. مرگ حسینقلی خان و روی کار آمدن غلامرضاخان در پشتکوه، والی بغداد را به فکر ضمیمه کردن مناطق حاصلخیز پشتکوه و دستیابی به تمامی منابع آبی مرزهای غربی ایران در این منطقه انداخت. در سال اول والی‌گری غلامرضاخان، عثمانی‌ها از مسیر رودخانه گنگیر به مناطق سومار و ایوان کلهر تجاوز کردند

و اموال، دارایی و محصولات کشاورزی مردم را غارت نمودند و خسارت زیادی را به بار آوردند. علاءالملک در گزارش‌های سیاسی خود، یادداشتی به خط میرزا نصرالله‌خان نائینی (مشیرالدوله)، وزیر خارجه آورده و در این رابطه چنین نوشته است: «چرا عثمانی‌ها چنین اقدامی بی‌مقدمه کردند و قشون دولتی به خاک ایوان کرمانشاهان فرستاده و به صد خسارت به سکنه سومار برآمدند» (صفائی، ۱۳۵۲: ۱۵۱-۱۵۲).

چهار سال بعد و در سال ۱۳۲۲ ه.ق.، عثمانی‌ها این بار به قلعه خان احمدخان کلهر در ایوان غرب و نواحی مندی هجوم آوردند و تمامی محصولات کشاورزی مردم ساکن در مرزهای ایران را به آتش کشیدند و حتی آب را بر مردم منطقه بستند. در گزارش‌های مأمورین ایران در خانیقین و قصر آمده است که تعدی و شدت عمل عثمانی‌ها به حدی بوده است که مردم ناچار به مهاجرت اجباری و پنهان شدن از مأمورین و سپاهیان متجاوز عثمانی شده‌اند و درصدد آن بوده‌اند که به اراضی والی پشتکوه نیز تجاوز نمایند (اسدی، ۱۳۹۶: ۴۷۵-۴۷۶؛ ر.ک. پیوست‌ها، اسناد شماره ۱ و ۲). چنین به نظر می‌رسد که هدف عثمانی‌ها از چنین حملات پر دامنه‌ای، کوچاندن اجباری عشایر مرزهای غربی ایران و جایگزین کردن آنان با عشایر عرب ساکن در عثمانی بوده باشد.

تجاوزات گسترده عثمانی‌ها برای ناامنی در مرزهای غربی ایران که کوچ و مهاجرت اجباری عشایر منطقه را به دنبال داشت در سال‌های بعد نیز ادامه یافت (استادوخ: ۴۱-۳/۲-۵-۱۳۲۳ ق.). در سال ۱۳۲۶ ه.ق. و در اوج مبارزات مجاهدین و آزادی‌خواهان با سلطنت استبدادی محمدعلی‌شاه، نیروهای دولت عثمانی با استفاده از شرایط نابه‌سامان داخلی ایران با قوایی متشکل از دو هنگ مجهز به توپخانه، با هدف غارت محصولات کشاورزان صیفی، ملخطای و باغسائی به این منطقه حمله کردند. غلامرضاخان والی پشتکوه، عده‌ای تفنگچی و افراد محلی^{۱۴} به سرگردگی جوادخان سرهنگ، پسر عموی خود، برای جلوگیری از تجاوز عثمانی‌ها اعزام کرد. این نیروها، جمع کثیری از عثمانی‌ها را کشتند و چند نفر را به اسارت گرفتند. از این تاریخ به بعد، غلامرضاخان والی، عده‌ای تفنگچی را در سرحدات مهران، چنگوله و دهلران در مرز عثمانی و مسیر تجاوز آن‌ها گمارد (غلامرضاخان فیلی، ۱۳۸۴: ۲۲۳-۲۲۴؛ رزم‌آرا، ۱۳۱۰: ۱۰۵-۱۰۷؛ ر.ک. سند شماره ۳). به این ترتیب تا قبل از جنگ جهانی اول و تعیین مرزها، تجاوز چشمگیری از سوی عثمانی‌ها به خاک ایران در منطقه پشتکوه صورت نگرفت و حتی در هنگام تعیین حدود مرزی در

سال ۱۹۱۴ میلادی، باغسائی که از آب رودخانه چنگوله آبیاری می‌شد، به غلامرضاخان والی به عنوان مُلک شخصی واگذار شد (افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

منابع محلی به نقش و حضور گسترده رؤسا و سران ایلات و طوایف پشتکوه از جمله حاج فرامرز اسدی سرتوشمال و رئیس ایل ملکشاهی، ملک حسین عبداللهی، شاه‌محمد یاری، حسین خلقتی، رضا فرزند قنبریگ تفنگچی‌باشی، قادرخان سلیمان‌نژاد و ... در این نبرد و تقویت سپاهیان والی پشتکوه اشاره نموده‌اند (درخشنده، ۱۳۹۴: ۱۱۳-۱۱۴ و ۱۳۷-۱۴۰ و ۲۱۱؛ رفعتی، ۱۳۸۶: ۳۵ و ۲۸۶ و ۳۲۴ و ۳۳۵؛ محمدزاده، ۱۳۸۹: ۸۰-۸۱ و ۱۰۲).

درخشنده با اشاره به وجود اختلافاتی بین ایل ملکشاهی با [والی پشتکوه] و ایل دیوالای در آن زمان، به پیشنهاد حاج فرامرز اسدی برای اتحاد ایلات و طوایف و رفع کدورت‌ها تا پایان نبرد خارجی با عثمانی‌ها اشاره کرده است و چنین می‌نویسد:

... وقتی حسین [خلقتی] با توشمال فرامرز مواجه می‌شوند، توشمال فرامرز به حسین می‌گوید: حالا که به سوی منطقه موردنظر به منظور انجام مأموریت در حرکت هستیم، پس تمامی دشمنی‌های بین خود را کنار می‌گذاریم و برادرانه در این نبرد شرکت می‌کنیم، ضمناً وقتی از این نبرد برگشتیم، دوباره با هم دشمن هستیم (درخشنده، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

چنین وقایعی نشان از اتحاد و یکدلی عشایر پشتکوه با وجود اختلافات داخلی در برابر تجاوزات بیگانگان داشته است که نتیجه آن حفظ سرحدات این منطقه با وجود حملات گسترده عثمانی‌ها بوده است.

در دوران جنگ جهانی اول، غلامرضاخان والی که همانند اکثر رجال ایران از هواخواهان آلمان به‌شمار می‌رفت (مورخ‌الدوله سپهر، ۱۳۶۲: ۳۳۴)، امنیت هنگ ششم ژاندارمری را که فرماندهی آن را محمودخان بر عهده داشت و از مسیر اصفهان، گلپایگان، بروجرد، خرم‌آباد، پشتکوه و زهاب عازم قصرشیرین که مرکز تجمع قوا بود، تأمین نمود (مهدی‌نیا، ۱۳۶۹، ج ۴: ۶۳۳).

پس از استقرار دولت موقت ملی در کرمانشاه به ریاست نظام‌السلطنه (شمیم، ۱۳۸۴: ۵۶۸)، سیاست‌مداران این دولت سعی در ترغیب غلامرضاخان والی به جانبداری از سیاست‌های آلمان و عثمانی و مقابله با روسیه و انگلستان داشته‌اند. مذاکرات فراوانی در جلسات دولت موقت از جمله جلسه ۱۵ مورخه ۲۵ شوال ۱۳۳۴ ه.ق.، جلسه ۲۲ مورخه ۲

ذی‌القعدة ۱۳۳۴ ه.ق.، جلسه ۲۳ مورخه ۳ ذی‌القعدة ۱۳۳۴ ه.ق.، برگزار شد و در نهایت میرزا علی محمد دولت‌آبادی مسئول مذاکره با والی پشتکوه شد و توانست رضایت او را برای اتحاد با دولت موقت و دولت عثمانی جلب نماید (اتحادیه، ۱۳۷۹: ۴۹-۵۰ و ۹۴). اهمیت سرحد پشتکوه برای دولت موقت، سبب شد که پس از برگزاری جلسه ۳۶ مورخه ۲۴ ذی‌القعدة ۱۳۳۴ ه.ق.، یک بار دیگر دولت‌آبادی در تاریخ دهم محرم ۱۳۳۵ ه.ق. مأمور تجدید و تقویت این اتحاد با والی پشتکوه شود (همان: ۶۳-۶۵ و ۹۳-۹۴ و ۱۴۳-۱۴۴).

با توجه به متن صورت جلسه ۸۴ دولت موقت به تاریخ ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۵ ه.ق. چنین به نظر می‌رسد که علاوه بر اهمیت سرحد پشتکوه برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان، اعضای دولت موقت و شخص نظام‌السلطنه در پی این بودند که در صورت شکست، از مناطق صعب‌العبور و کوه‌های پشتکوه به عنوان پناهگاهی امن استفاده کنند (همان: ۲۰۹).

بر اساس توافق با دولت موقت، غلامرضاخان والی برای جلوگیری از نفوذ انگلیسی‌ها به پشتکوه، سرحدات غربی را مستحکم نموده و دوازده تا سیزده هزار نیرو را در مرزهای غربی مستقر کرد (اکبری و یاری، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۶). در این زمان دسته‌ای از نیروهای روسی که از طریق پشتکوه قصد پیوستن به نیروهای انگلیسی در کرکوک و عماره را داشتند، توسط سواران پشتکوهی نابود شدند. امیراحمدی در خاطرات خود با اشاره به این موضوع که با سیاست خود توانسته مانع از حمله روس‌ها به پشتکوه شود از این حمله والی به نیروهای اسکادران روسی خبر داده است (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۱۰۴-۱۰۶). نوراللهی با رد دخالت نیروهای والی پشتکوه در حمله به روس‌ها، این اقدام را یک عملیات کاملاً مردمی بر ضد متجاوزان روسی دانسته و ایلات و عشایر ساکن در حوزه شمالی پشتکوه (خزل، ریزه‌وند و بیجنوند) را عامل این حمله معرفی کرده است (نوراللهی، ۱۳۹۹: ۱۴۳-۱۴۶ و ۱۵۲).

پس از انقلاب ۱۹۱۷ میلادی در روسیه و روی کار آمدن بلشویک‌ها، انگلستان در پی ایجاد کمربند امنی برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران بوده است و در پشت پرده اتحاد سه‌جانبه والی پشتکوه، شیخ خزعل و بختیاری‌ها، سیاست انگلستان به چشم می‌خورد (مجد، ۱۳۸۹: ۳۱۰-۳۱۲، بر اساس گزارش موری، شماره ۶۵۷، ۱۳۰۳/۸۹۱.۰۰، ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۴). این سیاست انگلستان در تلگرافی از سرپرسی سایکس به مستر مونتگو

وزیر امور هندوستان در کابینه بریتانیا به وضوح دیده می شود (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۹۹-۲۰۰).

غلامرضاخان فیلی که در اواخر دوران والی گری خود سیاست محافظه کارانه ای را در پیش گرفته بود، پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش. و روی کار آمدن رضاخان، خطر قریب الوقوعی را پیش بینی نموده بود که این امر نیز با پادشاهی رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۰۴ ه.ش. و سقوط سلسله قاجاریه به حقیقت پیوست. والی پشتکوه آخرین حربه سیاسی خود را با تجدید پیمان خود با شیخ خزعل و تشکیل کمیته قیام سعادت انجام داد (بهار، ۱۳۷۱ ج ۲: ۱۴۶)، اما سرانجام ناگزیر به ترک پشتکوه و پناهنده شدن به خاک عراق در سال ۱۳۰۷ ه.ش. و سکونت در مملکت شخصی خود در منطقه باغسائی شد (همان: ۱۶۸).

با مرگ غلامرضاخان آخرین والی پشتکوه، منطقه باغسائی که بر اساس تحدید حدود سال ۱۳۳۲ ه.ق. ایران و عثمانی و پس از آن کمیسیون فنی سال ۱۳۳۳ ه.ق. از ایران جدا و به عثمانی واگذار شده و با پافشاری غلامرضاخان والی به عنوان مملکت شخصی او در نظر گرفته شده بود (استادوخ: ۱۸-۱-۴۵-۱۳۳۸ ق؛ بصیرت منش و مرادی مقدم، ۱۳۹۸: ۲۳-۲۴؛ کوهستانی نژاد، ۱۳۸۳: ۳۳)، عملاً از خاک ایران جدا و ضمیمه کشور تازه تأسیس عراق شد.

۵. نتیجه گیری

تلاش ایلات و طوایف ساکن در دو سوی مرزهای ایران و عثمانی برای دستیابی به منابع آبی رودخانه ای گنجانچم، گاوی و چنگوله، تلاش والیان پشتکوه و پاشای بغداد برای دستیابی به معادن نمک پشتکوه و معادن نمک محال جسان، بدره، ژرباطیه و ترساق، عدم تعیین دقیق مرزهای ایران و عثمانی در پشتکوه به خصوص در اراضی حاصلخیز صیفی و ملخطای و همچنین اختلاف بر سر منطقه باغسائی از جمله مهم ترین علل و عوامل زمینه های بروز درگیری ها و کشمکش های مرزی ایران و عثمانی و تغییر و تحولات صورت گرفته در سرحد پشتکوه بوده است.

یافته های پژوهش نشان دهنده آن است که مرزهای غربی ایران در سرحد پشتکوه که بر اساس عهدنامه زهاب در سال ۱۰۴۹ ه.ق. تعیین شده بود و با وجود انعقاد عهدنامه های مرزی در دوره های بعدی بدون تغییر باقی مانده بود، شاهد تحولات نسبی در عصر قاجار

بود و والیان پشتکوه با اتکا به نیروهای ایلات و طوایف منطقه مانع از جدایی مناطق استراتژیک سرحد پشتکوه شدند. در دوره والی‌گری حسن‌خان، سرحدات پشتکوه در آرامش به سر می‌برد و قدرت نظامی حسن‌خان والی و صاحب اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم، عثمانی‌ها را از تعرض به سرحد پشتکوه باز می‌داشت و قلمرو جغرافیایی ایران، بخشی از محال جَسان، بدره، ژرباطیه و تُرساق در خاک عثمانی را در بر می‌گرفت.

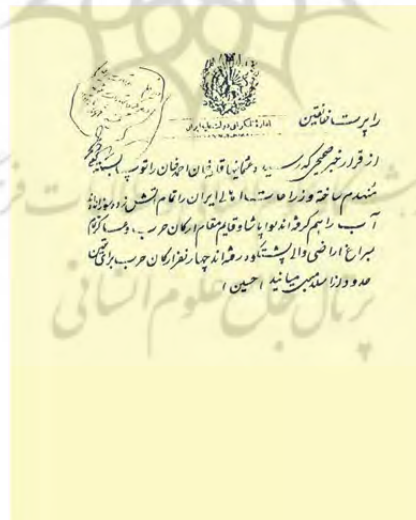
در دوره حکومت مشترک والیان سه‌گانه (علی‌خان، احمدخان و حیدرخان) با وجود فراز و نشیب‌هایی مناطق فوق‌الذکر در قلمرو ایران باقی ماندند، اما در دوره والی‌گری کوتاه‌مدت عباسقلی‌خان به واسطه ضعف او، منطقه باغسائی و معادن نمک پشتکوه از حوزه قلمرو ایران خارج شده و تحت مالکیت عثمانی‌ها درآمدند. در این دوره و در دوره والی‌گری والیان سه‌گانه به سبب مالیات‌های سنگین و کشمکش‌های والیان بر سر جانشینی و خشکسالی‌های ناشی از مصادره آب رودهای مرزی گُنجانچم، گاوی و چنگوله توسط عثمانی‌ها در دوره والی‌گری عباسقلی‌خان، شاهد مهاجرت بی‌رویه و کاهش چشمگیر جمعیت پشتکوه بوده‌ایم.

در دوران والی‌گری حسینقلی‌خان ابوقداره و فرزندش غلامرضاخان فیلی که شناخته‌شده‌ترین والیان پشتکوه به‌شمار می‌روند، اراضی صیفی و ملخط‌اوی، منطقه باغسائی، معادن نمک پشتکوه و بخشی از محال جَسان، بدره، ژرباطیه و تُرساق عثمانی در حوزه قلمرو ایران جای داشتند و همچنین آن‌ها در ارتباط با بهره‌گیری از سهم آب رودخانه‌های مرزی موفق عمل نمودند. هم‌زمان با جنگ جهانی اول و پس از آن تا روی کار آمدن حکومت پهلوی، با وجود سیاست محافظه‌کارانه غلامرضاخان آخرین والی پشتکوه و حضور قدرت‌هایی همچون روسیه، انگلستان، آلمان و عثمانی در این منطقه، مرزهای غربی ایران در سرحد پشتکوه بدون تغییر باقی ماند و سرانجام با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی و با پناهنده شدن آخرین والی پشتکوه به عراق، منطقه باغسائی که مُلک شخصی او محسوب می‌شد، ضمیمه خاک عراق شد و در پی آن نفوذ سیاسی ایران بر محال جَسان، بدره، ژرباطیه و تُرساق عثمانی نیز از بین رفت.



نمودار (۵-۱): تحولات مرزهای غربی پشتکوه در عصر قاجار

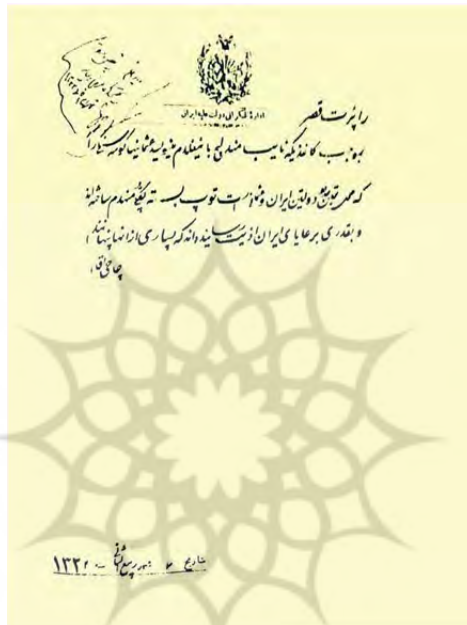
پیوست‌ها



سند شماره ۱: رأبرت خانقین | اداره تلگراف دولت علیه ایران (اسدی، ۱۳۹۶: ۴۷۶).

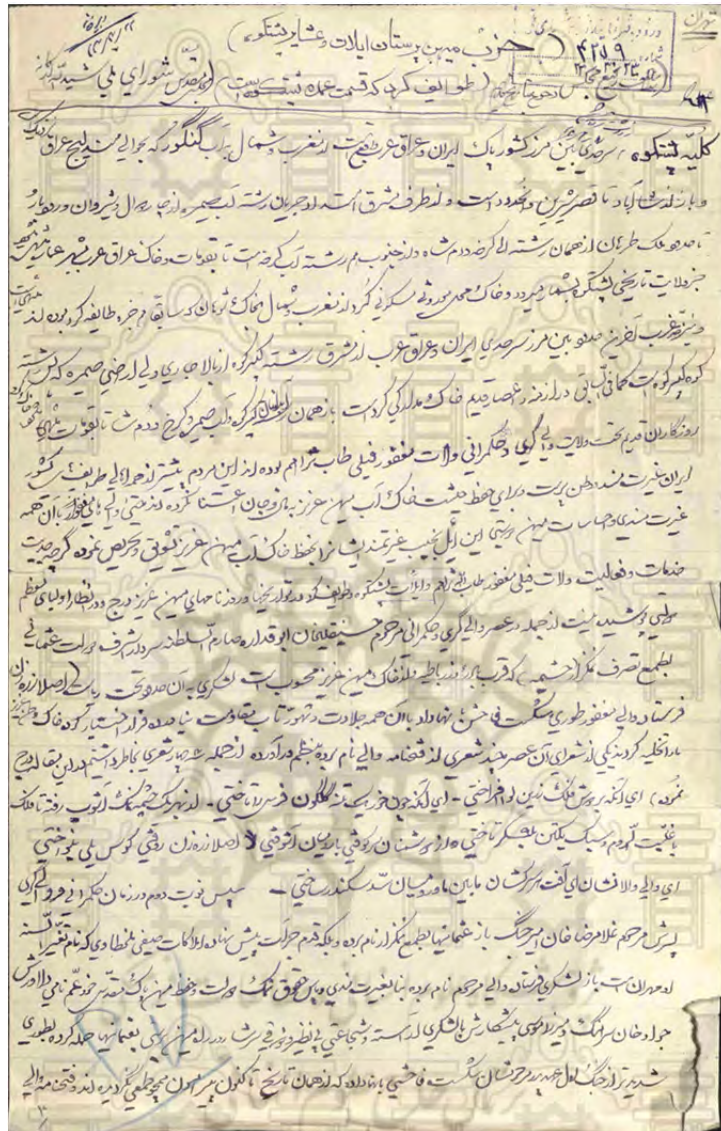
تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۳۱

از قرار خبر صحیحی که رسید عثمانی‌ها قلعه‌خان احمدخان را به توپ بسته قلعه را منهدم ساخته زارعت اهالی ایران را تمام آتش زده سوزانده‌اند آب را هم گرفته‌اند. پاشا و قائم‌مقام ارکان حرب و عساکر تمام به سراغ اراضی والی پشتکوه رفته‌اند. چهار نفر ارکان حرب برای تعیین حدود از اسلام‌بیل می‌آیند (حسین)
تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ ه.ق.

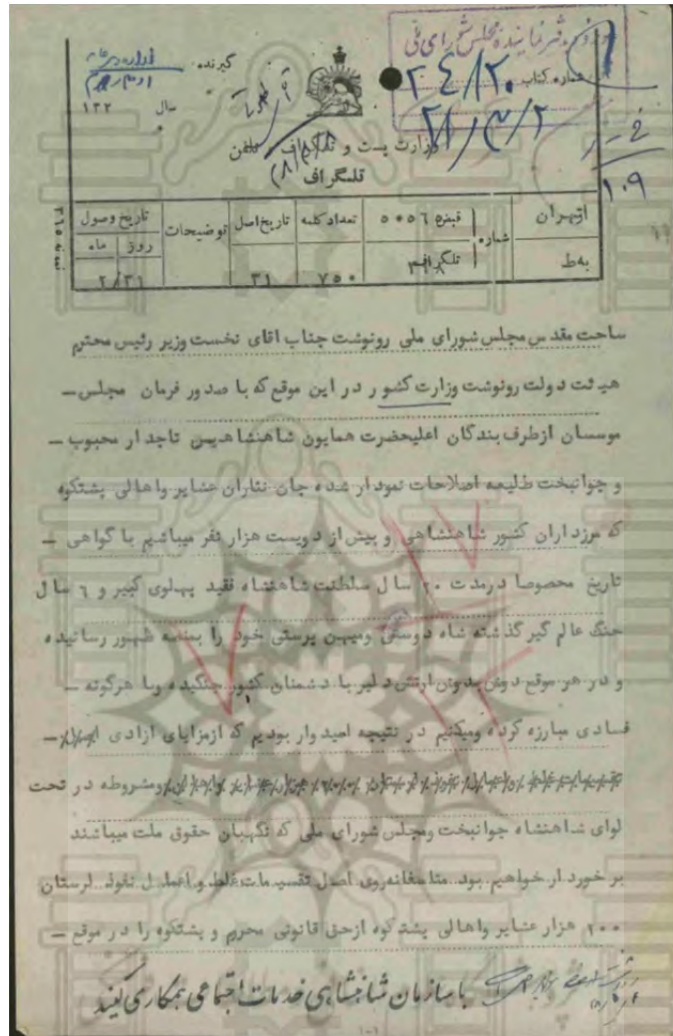


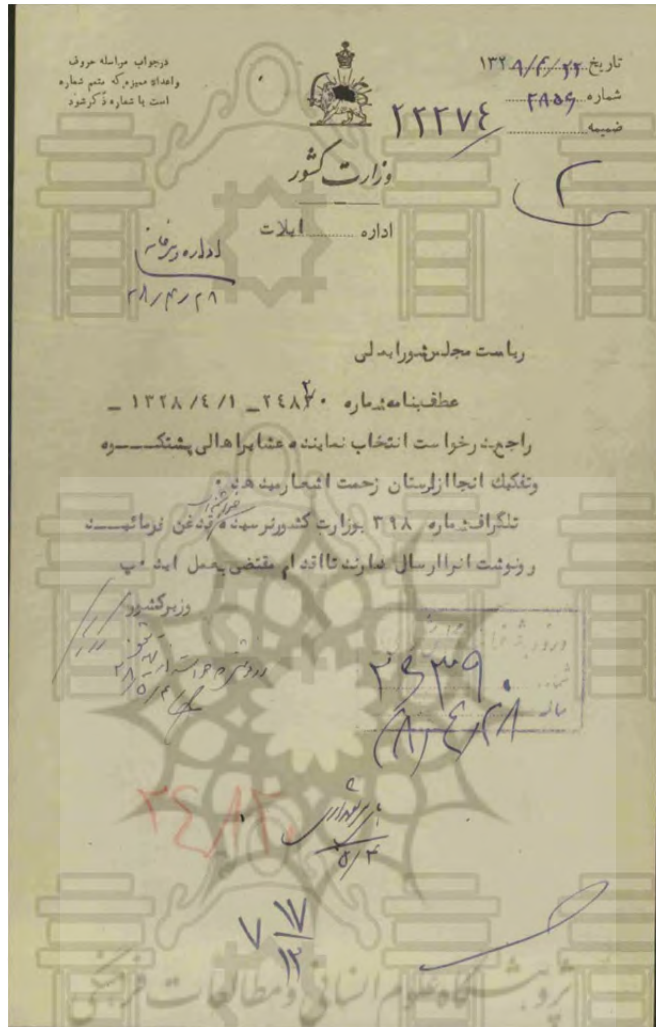
سند شماره ۲: راپرت قصر / اداره تلگراف دولت علیه ایران (اسدی، ۱۳۹۶: ۴۷۶).


به موجب تلگرافی که نایب مندلیج (مندلی) می‌نویسد عثمانی‌ها کوسه‌سنگی که محل تعیین حدود دولتین ایران و عثمانی است توپ بسته به کلی منهدم ساخته‌اند و به قدری به رعایای ایران اذیت رسانیده‌اند که بسیاری از آن‌ها پنهانند (چاحی آقا)
تاریخ ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ ه.ق.



سند شماره ۳: بخشی از نامه حزب میهن پرستان ایلات و عشایر پشتکوه (طوائف گرد) به مجلس شورای ملی در خصوص مرزداری و خدمات خود به ایران در تاریخ خردادماه ۱۳۲۳ ه.ش.، در این نامه به نبردهای والیان فیلی و ایلات و عشایر پشتکوه با عثمانی ها اشاره شده است (کیمام: شماره ۱۴/۵۱/۳۳/۱/۸۵).

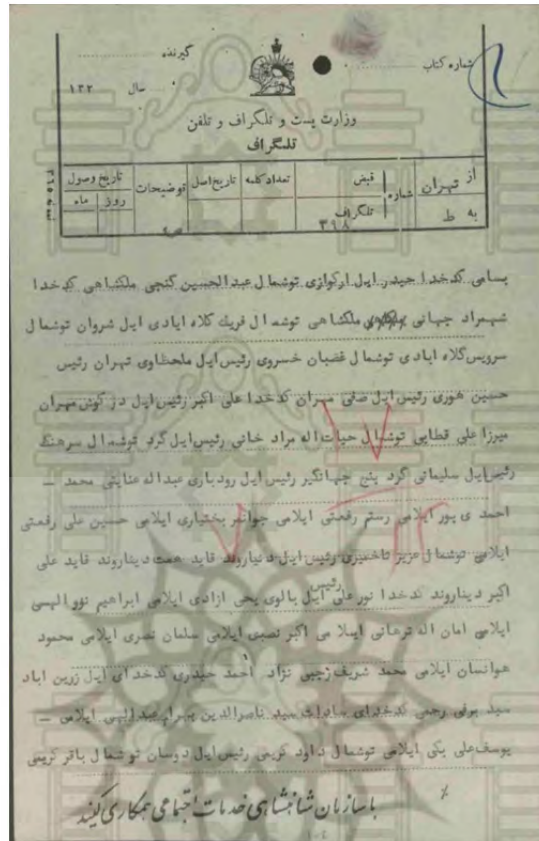





 وزارت پست و تلگراف و تلفن
 تلگراف

کیرنده	شماره کتاب				
سال ۱۳۲۲					
از تهران	فیض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به ط	شماره تلگراف				روز ماه
	۳۱۸				

کردیده است حاج شیخ ابوالحسن میرزا علی رئیس انجمن شهرداری حاج یعقوب -
 قطایی رئیس ایل ترهان حاج فرامرز اسدی رئیس ایل ملکنشاهی تونمال کریم -
 طهماسبی رئیس ایل شکرک کرد توشمال شاه محمد خسرو رئیس ایل بدره توشمال ال
 محمود خان مولایی رئیس ایل بدره توشمال داود طهماسبی رئیس ایل کرد -
 توشمال نامدار رحیمی دهرار ملکنشاهی کدخدای شهباز عزیز ملکنشاهی کدخدا -
 محمد خان قبادی بدره جواد قبادی ایل بدره تهمین زرین جوش بدره مشهدی -
 جوانمرد گری ترهان کدخدا صید میرزا بدره احمد یار احمدی بدره توشمال -
 شاه محمد کشتورز رئیس ایل میش خاص توشمال امین میش خاص کدخدا باباخان -
 هند مینی کدخدا یوسف عباسی ترهان کدخدا تهمین ملکنشاهی ترهان کدخدا عزیز -
 صادقی ترهان کدخدا رضا حمینی ترهن کدخدا ازان رحمانی ترهان کدخدا -
 محمد کریمی ترهان قطاس قطایی دهرار ترهان احمد قطاسی ترهان کدخدا -
 نیازاصغری کرد کدخدا علی بکم فرهادی کرد کدخدا طایب وبله فیض الهی ارکوازی
 کدخدا اصغر بسملی ایل ارکوازی توشمال حبیب بهادری نجستون کدخدا نامدار
 باسازمان شایسته خدمات اجتماعی بکاری لیزد



سند شماره ۴: درخواست رؤسا و سران ایلات و طوایف پشتکوه برای جدایی از لرستان و تفکیک حوزه انتخابیه ایلام از خرم‌آباد از تاریخ ۳۱ اردیبهشت لغایت ۲۴ مرداد ۱۳۲۸ ه.ش. در این سند به مرزداری و میهن پرستی ایلات و طوایف پشتکوه به صراحت اشاره شده است (کیمام: شماره ۱۵/۱۰۴/۱۷/۱۲/۷؛ شامل ۱۰ برگ و ۳ نامه).

پی‌نوشت‌ها

۱. با وجودی که بدره (محل سکونت ایل بدره‌ای/بیری شامل طوایف علیشروان، قیطول، دوستان، هندمینی و زرانگوش) در شرق کبیرکوه واقع بود، به دلیل سهولت دسترسی به این منطقه و بر اساس اسناد به‌جای مانده از توشمالان و بزرگان این ایل، در تقسیمات سیاسی-اداری جزو حوزه پشتکوه محسوب می‌شده است (اسدی، ۱۳۹۶: ۷۳۵-۷۴۹؛ ر.ک. پیوست‌ها، سند شماره ۴).

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۳۷

۲. شهر ایلام کنونی در گذشته «رد» و «ده‌بالا» نامیده می‌شد، که در عصر قاجار به دلیل حکومت و ساخت و سازهای حسینقلی خان ابوقداره والی پشتکوه، به «حسین‌آباد» معروف شد (اسدی، ۱۳۹۶: ۱۵۳؛ رفعتی، ۱۳۸۶: ۳۴).
۳. منطقه‌ای در کشور عراق بین ژرباطیه و مندلی (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۱۰۰). در ۹.۱ کیلومتری مرز ایران و ۷۸۰ متری غرب جاده آسفالته مندلی به در تپه‌ای با نام تُرساق وجود دارد که احتمالاً سلیمان‌تپه از محوطه‌های باستانی تمدن ایلام باستان است (زینی‌وند و شریفی، ۱۳۹۸: ۲۷).
۴. طوایف صیفی و ملخطاوی از طوایف ساکن در شهرستان مهران استان ایلام در منتهی‌الیه مرزهای غربی ایران هستند (اسدی، ۱۳۹۶: ۳۹۷-۴۰۶).
۵. رشته‌کوه حمرین (بارما) به دو شاخه حمرین شمالی (از شمال‌غربی مندلی در استان دیاله تا شمال استان صلاح‌الدین و جنوب استان کرکوک) و حمرین جنوبی (از جنوب مندلی تا جلگه خوزستان) تقسیم می‌شود (اله‌اشمی، ۱۹۳۶: ۳۵-۳۶).
۶. از بناهای حسین‌خان والی فیلی.
۷. منطقه‌ای واقع در شهرستان چوار استان ایلام.
۸. رهبری و ریاست در ایلات بزرگ پشتکوه موروثی و بر عهده «عالیجاه توشمال» یا «میرتوشمال/سرتوشمال/رئیس ایل/خان» بوده است که از طرف شاه و حکومت مرکزی منصوب می‌شد. گاهی این مقام و منصب بین دو برادر تقسیم می‌شد. همچنین در یک ایل احتمال حضور چند توشمال منصوب شده از طرف والی پشتکوه یا حکومت مرکزی برای مشورت و تصمیم‌گیری در امور ایل وجود داشت که این توشمالان هنگامی که ایل رهبری و ریاست واحدی داشت، در زیر نظر «رئیس ایل» قرار می‌گرفتند. والی پشتکوه حق اعطای عنوان «خانی» و خطاب «عالیجاهی» را به سران ایلات و طوایف منطقه نداشت و همین امر رقابت و تنش‌هایی را میان خوانین منطقه و والی پشتکوه به وجود می‌آورد. سرپرستی طوایف نیز بر عهده «کدخدا» بود که در زیر نظر «عالیجاه توشمال» قرار داشتند. در ایلات و طوایف کوچک‌تر، کدخدا در رأس امور قرار داشت (اسدی، ۱۳۹۶: ۴۲۹-۴۳۰؛ ر.ک. پیوست‌ها، سند شماره ۴).
۹. رود دویرج به طول ۱۸۸ کیلومتر از سراب آبدانان در شهرستان آبدانان استان ایلام سرچشمه گرفته و بعد از عبور از شهرستان دهلران وارد خاک عراق شده و به رود دجله می‌ریزد (افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۵۶).
۱۰. کوه اناران واقع در شمال‌غربی دهلران استان ایلام (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۱۴؛ افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۴۵).

۱۱. رودخانه کانی شیخ از رودهای مرزی ایران واقع در شهرستان چوار استان ایلام که به خاک عراق می‌ریزد.
۱۲. ناخوانا.
۱۳. امامزاده سیدحسن، برادر امام رضا (ع) و از فرزندان موسی بن جعفر (ع) واقع در ۳ کیلومتری جنوب شرقی شهر مهران.
۱۴. تعداد سپاهیان اعزامی به این نبرد سه تا چهار هزار نفر و محل جنگ، تپه‌های رضاآباد مهران ذکر شده است (غلامرضاخان فیلی، ۱۳۸۴: ۲۲۳-۲۲۴).

کتابنامه

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ): اسناد شماره: ۱۴-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۲۴-۲-۱۰-۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۴۷-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۴۸-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۶۵-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۴۱-۳/۲-۵-۱۳۲۳-۱۳۲۸ ق؛ ۸-۲۴-۱۳۲۸ ق؛ ۱۸-۱-۴۵-۱۳۳۸ ق.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): اسناد شماره: ۱۴/۵۱/۳۳/۱/۸۵/۱۵/۱۰۴/۱۷/۱۲/۷.
- مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَا): <http://www.iichs.ir>. عصر ناصرالدین شاه، تهاجم قوای عثمانی به ایران: اسناد شماره: ۶۴۴۸۷ ق؛ ۶۴۴۸۸ ق.
- مشیرالدوله حسینی تبریزی، میرزا جعفرخان؛ جعفر بن محمد تقی. تحقیقات سرحدیه، نسخه خطی. کتابخانه مجلس: IR10-35120، شماره بازیابی ۱/۲۷۷۵، محل و شماره بازیابی: ۱۱۲۸۸۹.
- منشآت: مجموعه فرامین و اسناد عهد فتحعلی شاه قاجار، نسخه خطی. کتابخانه مجلس: IR35524، شماره بازیابی: ۱/۱۱۴۸۵.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمان بن محمد (۱۳۸۳). العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۳، چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق (۱۳۴۹). مختصر البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه ح-مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (۱۳۷۹). رضاقلی خان نظام السلطنه: صورت جلسات هیئت دولت مهاجرت، پژوهش و بازنویسه منصوره اتحادیه. تهران: تاریخ ایران.

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۳۹

احتشامی، منوچهر (۱۳۸۳). خوزستان و لرستان در عصر ناصری به روایت فرمان‌های ناصرالدین‌شاه، مکاتبات امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری با احتشام‌الدوله، به کوشش آذیتا لقایی و فاطمه معزی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

استارک، فریامادلین (۱۳۶۴). سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام، ترجمه علی‌محمد ساکی. تهران: علمی.

اسدی، علیرضا (۱۳۹۰). فرهنگ تطبیقی گویش کردی ایلامی با زبان ایرانی میانه (پهلوی اشکانی، پهلوی ساسانی): به انضمام تاریخ و زبان استان ایلام قبل از اسلام. ایلام: جوهر حیات.

اسدی، علیرضا (۱۳۹۶). با ایلامیان در ایلام: شناخت اقوام، ایلات، طوایف و خاندان‌های استان ایلام، ایلام: جوهر حیات.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن صنیع‌الدوله (۱۳۶۳). تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، دوره ۳ جلدی. تهران: دنیای کتاب.

افشارسیستانی، ایرج (۱۳۸۰). ایلام و تمدن دیرینه آن. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

الفیلی، نجم‌سلیمان مهدی (۲۰۰۹). الفیلیون: تاریخ، قبائل و انساب، فلکلور، تراث قومی، الطبعة الثانية. اربیل: دارناراس للطباعة والنشر.

الهاسمی، طه (۱۹۳۶). جغرافیه العراق، الطبعة الثانية. بغداد: مطبعة المعارف.

امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳). خاطرات نخستین سپهبد ایران. به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد. تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

اوتر، ژان (۱۳۶۳). سفرنامه ژان اوتر «عصر نادرشاه»، ترجمه علی اقبالی. تهران: جاویدان.

بارتولد، ویلهلم (۱۳۰۸). تذکره جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور (طالب‌زاده)، تهران: چاپخانه اتحادیه تهران.

بویل، جی. آ. (۱۳۷۱). تاریخ ایران کمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا) (۱۳۷۱). تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۲، چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

ترکمان، اسکندریگ منشی (۱۳۷۷). تاریخ عالم‌آرای عباسی، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۲. تهران: دنیای کتاب.

درخشنده، صیدمحمد (۱۳۹۴). دیوالا از ادوار کهن تا عصر پهلوی. ایلام: مؤلف.

- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، ج ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دُمورگان، ژاک (۱۳۳۸). هیئت علمی فرانسه در ایران، مطالعات جغرافیائی، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، ج ۱. تبریز: چهر.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۵۴). تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۸۴). تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
- راد، ناصر (۱۳۷۴). تاریخ سرزمین ایلام: از روزگار باستان تا انقراض الیان لرستان و ایلام. تهران: ارغنون.
- راولینسون، سرهنری (۱۳۶۲). سفرنامه راولینسون: گذر از زهاب به خوزستان، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند. تهران: آگاه.
- رزم‌آرا، علی (۱۳۲۰). جغرافیای نظامی پشت‌کوه. بی‌جا: بی‌نا.
- رفعتی، رستم (۱۳۸۶). انساب شهری و عشایری استان ایلام. ایلام: برگ‌آذین.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸). تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، چاپ یازدهم. تهران: امیرکبیر.
- زکی‌بیگ، محمدمین (۱۳۸۱). زبده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن اردلان، ج ۲. تهران: توس.
- ساروی، محمدفتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱). تاریخ محمدی «احسن التواریخ». به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.
- سالنامه آماری استان ایلام سال ۱۳۹۳ (۱۳۹۴). تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، معاونت آمار و اطلاعات، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷). ناسخ‌التواریخ؛ تاریخ قاجاریه، دوره ۳ جلدی. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- سپهر، احمدعلی (مورخ‌الدوله) (۱۳۶۲). ایران در جنگ بزرگ: ۱۹۱۸-۱۹۱۴. تهران: ادیب.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۴). ایران در دوره سلطنت قاجار. چاپ یازدهم. تهران: مدبر.
- شوشتری، میرعبداللطیف‌خان (۱۳۶۳). تحفه‌العالم و ذیل‌التحفه، به اهتمام صمد موحد. تهران: کتابخانه طهوری.
- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۷۷). اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ج ۳. تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موضوعات دکتر محمود افشار یزدی.

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۴۱

- صفائی، ابراهیم (۱۳۵۲). گزارشهای سیاسی میرزا محمودخان علاءالملک طباطبایی. چاپ دوم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- صفائی، ابراهیم (۲۵۳۵). اسناد برگزیده دوران قاجاریه. تهران: بابک.
- ظل السلطان، مسعودمیرزا (۱۳۶۸). خاطرات ظل السلطان: سرگذشت مسعودی، به‌اهتمام و تصحیح حسین خدیو‌جم، ج ۲. تهران: اساطیر.
- عباسی، محمدرضا (۱۳۷۲). حکومت سایه‌ها (اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین‌خان سپهسالار). به‌کوشش محمدرضا عباسی. تهران: سازمان اسناد ملی.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران. ترجمه غ. وحید مازندرانی، ج ۱ و ۲، چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجاریه (۱۳۶۹). جلد ۲. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- لایارد، سراوستن هنری (۱۳۶۷). سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، ترجمه مهرباب امیری. تهران: وحید.
- لسترنج، گای (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- مجد، محمدقلی (۱۳۸۹). از قاجار به پهلوی ۱۲۹۸-۱۳۰۹ ش. ۱۹۱۹-۱۹۳۰ م. بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، ترجمه رضا مرزانی و مصطفی امیری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۶). تاریخ و تمدن بین‌النهرین (تاریخ سیاسی). جلد ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محمدزاده، عباس (۱۳۸۹). قیام ایلام در عصر رضا شاه، چاپ دوم. ایلام: زانا.
- محمد معصوم‌بن خواجه اصفهانی (۱۳۶۸). خلاصه‌السییر، زیر نظر ایرج افشار. تهران: علمی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابوبکر (۱۳۶۲). نزهة القلوب. به‌سعی و اهتمام گای لسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- مشیرالدوله، میرزاسیدجعفرخان (۱۳۴۸). رساله تحقیقات سرحدیه، به‌اهتمام محمد مشیری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مرندی‌یکانلو، میرزامحعلی‌خان‌بن‌محمدتقی (ناظم‌الملک) (۱۳۹۵). مجموعه رسائل و لوائح تحدیدحدود ایران و عثمانی ۹۰۷-۱۳۰۹ هجری قمری، به‌تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی. تهران: طهوری.

- منجم‌یزدی، ملاجلال‌الدین محمد (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید.
- مؤلف ناشناس (۱۳۱۸). مجمل‌التواریخ والقصص، به تصحیح ملک‌الشعراء بهار. بی‌جا: بی‌نا.
- مهدی‌نیا، جعفر (۱۳۶۹). نخست‌وزیران ایران: زندگی سیدضیاء‌الدین طباطبائی، ج ۴. تهران: پانوس.
- میرزاسمیعا، محمدسمیع (۱۳۶۸). تذکره‌الملوک: سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۷۱). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه). ج ۳. تهران: کیهان.
- نفیس، سعید (۱۳۳۱). تمدن ساسانی. تهران: دانشگاه تهران.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۳۹). تاریخ روضه‌الصفای ناصری، به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، ج ۹. قم: کتابفروشی‌های مرکزی، خیام و پیروز.
- هینتس، والتر (۱۳۸۸). دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- اسدی، علیرضا (۱۳۹۵). «فتح‌نامه ایل ملکشاهی»، انجمن تاریخ محلی ایران (local History of Iran) و فصلنامه آموزش تاریخ، سال هجدهم، شماره ۶۳، ۷۰-۷۷.
- اسدی، علیرضا (۱۳۹۹). «جغرافیای تاریخی ایالات ماسبدان و مهرجانقذق در دوران خلفای اموی»، جندی‌شاپور، سال ششم، شماره ۲۲، ۲۲-۴۸.
- اکبری، مرتضی و یاری، سیاوش (۱۳۹۴). «تحلیلی بر مناقشات مرزی ایران با عثمانی و عراق در نوار مرزی ایلام»، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، دوره ۲، شماره ۵، ۶۵-۸۴.
- بصیرت‌منش، حمید و مرادی‌مقدم، مراد (۱۳۹۸). «اختلاف ایران و عثمانی بر سر شهر باغسائی»، گنجینه اسناد، سال بیست‌ونهم، شماره ۲ (پیاپی ۱۱۴)، ۶-۳۰.
- زینی‌وند، محسن و شریفی، فرشته (۱۳۹۸). «سلیمان‌تپه، تل یکسایه و سبغات کهریز (تلاش برای یافتن سه محوطه نخست ثبتی آثار ملی ایران)»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال سوم، شماره ۹، ۲۳-۳۷.
- ساک، علی محمد (۱۳۸۴). «انیس‌المسافر نوشته غلامرضاخان والی پشتکوه»، فرهنگ ایران‌زمین، شماره ۳۰، ۲۰۸-۲۱۶.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۳). «روابط ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم (از ابتدا تا شناسایی عراق توسط ایران ۱۳۰۷ ش. / ۱۹۲۹ م.)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹، ۴۰-۵.

تحولات مرزی سرحد پشتکوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۴۳

- مرادی مقدم، مراد (۱۳۸۷). «نقش والیان ایلام در حفظ امنیت و دفاع از مرزهای ایران زمین»، فرهنگ ایلام، شماره ۲۰ و ۲۱، ۱۴۷-۱۶۱.
- مشیری، محمد (۱۳۴۸). «یک سند درباره مرزهای ایران»، بررسی‌های تاریخی، سال چهارم، شماره ۲ و ۳ (پیاپی ۲۰ و ۲۱)، ۷۹-۱۲۲.
- مظاهری، خداکرم، یعقوبی، ابراهیم و یاری، سیاوش (۱۳۹۸). «واکاوای قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی پشتکوه»، فصلنامه فرهنگ ایلام، دوره بیستم، شماره ۶۴ و ۶۵، ۳۴-۵۳.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۸). «قوم باستان‌شناختی نمک در استان ایلام، زاگرس مرکزی»، احمد محیط طباطبایی و شاهین آریامنش (ویراستار)، مفاخر میراث فرهنگی ایران، فرقیروز: جشن نامه دکتر فیروز باقرزاده، ج ۵ (ص ص. ۴۷۷-۵۲۹). تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و انتشارات آریارمنا و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۹). «علل ورود و عقب‌نشینی نیروهای روس در جنگ جهانی اول در پشتکوه (ایلام)»، فصلنامه مطالعات ایرانشناسی، شماره ۱۹، ۱۳۳-۱۵۴.
- نورائی، مرتضی و مهمان‌نواز، محمود (۱۳۹۱). «بررسی اسنادی کشمکش‌های والیان پشتکوه (ایلام) با حکومت عثمانی، بر سر معادن نمک (۱۲۵۵-۱۳۴۷ ق. / ۱۸۳۸-۱۹۲۸ م.)»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست‌ودوم، دفتر سوم، ۲۰-۴۰.

Zanjani, Habibollah (2006). "Ilām iii: Population", Encyclopaedia Iranica, in EIr. XII: POŠT-E KUH, November 15, pp. 631-639.

<https://www.loc.gov/resource/g7431fm.gct00207/>

<https://www.iranicaonline.org/articles/post-e-kuh/>

<https://www.raremaps.com/gallery/detail/76128/persia-tallis>

